

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۹

جمعه ۲۵ تیر ۱۴۰۰ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۱

آیت الله قاتل باید دستگیر و

محاكمه شود!

محسن ابراهیمی

با انتصاب رئیسی به عنوان رئیس جمهور، حکومت اسلامی بی تردید مرتکب یک اشتباه محاسبه سیاسی استراتژیک شد. لابد تصورشان این بود که در شرایط تشدید بحرانهای سیاسی و بحران حکومتی، رئیس جمهور شدن عضو از "هیئت مرگ" مورد اعتماد خامنه ای خواهد توانست هم یکپارچگی حکومت را تامین کند و هم جامعه شدیداً معترض را مرعوب کند. شاید در محاسبه شان این هم جا داشته است که به خاطر مصونیت سیاسی روسای جمهور کشورها، انتصاب این عضو "هیئت مرگ" در کشتار تابستان 67 به ریاست جمهوری میتواند منفذی برای عادی سازی آن جنایت باز کند. جنایتی که مخصوصاً به یمن تلاش مادران خاوران، امروز به شبی خوفناک تبدیل شده است و دائماً بالای سر حکومت گشت و گذار میکنند.

حکومت اسلامی یکپارچه شدنی نیست. جامعه ایران هم مرعوب نخواهد شد. در باره این جنبه ها از اوضاع سیاسی قبلاً بحث کرده ایم و موضوع این مطلب نیست. اینجا فقط می خواهیم به این موضوع پردازیم که نباید اجازه دهیم رئیس جمهور کردن یک قاتل حکومتی، کشتار 67 را عادی

سازی کند بلکه برعکس میتوان و باید کاری کرد که این اتفاق به سکویی برای نیرو گرفتن و پیشروی بیشتر جنبش دادخواهی، برای جلب همبستگی جهانی به این جنبش، برای تعقیب کیفی و دستگیری این جنایتکار و نهایتاً تقویت جنبش سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل شود.

هدف حکومت از کشتار زندانیان در دهه شصت، مخصوصاً قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 67 تثبیت حکومت اسلامی بود. امروز گورستان خاوران به سند زنده، به تجسم زنده هولوکاست اسلامی تبدیل شده است. قبرهای بی نام و نشان هزاران زندانی که برای مدت طولانی در سکوت مرگبار، فقط قلب عزیزان این جانباختگان را به درد می آورد، مدتهاست که به سند زنده جنایت حکومت اسلامی علیه بشریت، به وجهی مهم و جدی از جنبش سرنگونی تبدیل شده است.

انتصاب یکی از برپاکنندگان اصلی گورستان خاوران به ریاست جمهوری بی تردید فضا را برای آگاه کردن مردم جهان از آن جنایت بزرگ، جلب همبستگی جهانی به جنبش دادخواهی و نهایتاً وسعت دادن و قدرتمندتر کردن جنبش سرنگونی فراهم کرده



کارگران رسمی صنعت نفت اولتیماتوم می دهند!

در این شماره انترناسیونال: شماره صفحه:

- آیت الله قاتل باید دستگیر و محاكمه شود! محسن ابراهیمی ۳ و ۲، ۱
- نه به طالبان، نه به حکومت فاسد، زنده باد قدرت اعتراض مردم. سیامک بهاری ۵ و ۴
- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت، دستاوردی بزرگ. شهلا دانشفر و اصغر کریمی ۷ و ۶
- ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی؛ عروج اعتصابات و اعتراضات توده ها و جنبش دانشجویی! امیر عسگری ۸
- پادکست اندیشه و سیاست: مفهوم سیاست و جایگاه حزب سیاسی. ۱۱ و ۱۰، ۹
- پادکست کاظم نیکخواه از مدیای اجتماعی حزب ۱۳ و ۱۲
- اطلاعیه های حزب ۱۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸

تدارک حضور او در یک نشست در خارج از کشور، دستان خون آلود او را بشوید و شبح جنایت حکومت اسلامی در دهه شصت را از بالای سر این حکومت کنار بزنند؟ در قلمرو سیاست هیچ چیزی به خودی خود اتفاق نمی افتد و پاسخ

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

مقام یک قاتل زنجیره ای به ریاست جمهوری به فرصتی علیه کل حکومت اسلامی است.

جمهوری اسلامی تلاش مذبحخانه اش برای رهایی از شیخ خاوران را از مذاکرات جاری وین بر سر برجام شروع کرده است. دلان دیپلمات این حکومت در این مذاکرات بر سر رفع تحریم از رئیسی چانه زنی میکند. تحریمی که در مارس ۲۰۱۱ توسط اتحادیه اروپا به دلیل نقض قوانین حقوق بشری بر تعدادی از مقامات قضایی آدامکش جمهوری اسلامی از جمله رئیسی اعمال شد.

واضح است که واکنش دول غرب نسبت به ریاست جمهوری "آیت الله قاتل" نه بر اساس پرونده حقوق بشری او بلکه بر اساس ملاحظات و منافع سیاسی و اقتصادی دولتهای خودشان شکل خواهد گرفت. اما این هم واضح است که تا همین حالا، دادخواهی از خاوران آنچنان در سطح جهان طنین انداخته است؛ جنایت خاوران آنقدر معرف حضور نهادهای بین المللی حقوق بشری و شخصیت‌های عدالت طلب در

جهان شده است که دول غرب ناگزیر شده اند برای تبریک گفتن به آیت الله قاتل دست به عصا باشند و بعد از تقریباً یک ماه هنوز بیت خامنه ای منتظر تبریک از دول اروپایی هستند. تبریک رئیس جمهور اتریش هم نه تنها راه را باز نکرد بلکه همان روز اول با یک طومار اعتراضی بسیار تعرضی با امضای شخصیت‌های شناخته شده جهانی روبرو شد و انزجار و اعتراض نصیب او کرد. اظهارات اشتفن زایبیرت، سخنگوی دولت آلمان درست دو روز بعد از انتصاب رئیسی فقط یک نمونه از تردید روسای دولتهای غربی است که در کنفرانس مطبوعاتی گفت آلمان از نقش ابراهیم

رئیسی، رئیس جمهوری جدید ایران در اعدام‌ها اطلاع دارد و در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره امکان تبریک گفتن به رئیسی توسط صدراعظم آلمان گفت "چیزی در این

واضح است که واکنش دول غرب نسبت به ریاست جمهوری "آیت الله قاتل" نه بر اساس پرونده حقوق بشری او بلکه بر اساس ملاحظات و منافع سیاسی و اقتصادی دولتهای خودشان شکل خواهد گرفت. اما این هم واضح است که تا همین حالا، دادخواهی از خاوران آنچنان در سطح جهان طنین انداخته است؛ جنایت خاوران آنقدر معرف حضور نهادهای بین المللی حقوق بشری و شخصیت‌های عدالت طلب در جهان شده است که دول غرب ناگزیر شده اند برای تبریک گفتن به آیت الله قاتل دست به عصا باشند و بعد از تقریباً یک ماه هنوز بیت خامنه ای منتظر تبریک از دول اروپایی هستند. تبریک رئیس جمهور اتریش هم نه تنها راه را باز نکرد بلکه همان روز اول با یک طومار اعتراضی بسیار تعرضی با امضای شخصیت‌های شناخته شده جهانی روبرو شد و انزجار و اعتراض نصیب او کرد. اظهارات اشتفن زایبیرت، سخنگوی دولت آلمان درست دو روز بعد از انتصاب رئیسی فقط یک نمونه از تردید روسای دولتهای غربی است که در کنفرانس مطبوعاتی گفت آلمان از نقش ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری جدید ایران در اعدام‌ها اطلاع دارد و در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره امکان تبریک گفتن به رئیسی توسط صدراعظم آلمان گفت "چیزی در این ارتباط برای گفتن ندارد".

هست - مورد تعقیب قرار داده است.

برای مثال چارلز تیلور رئیس جمهور لیبریا که زیر فشار بین المللی استعفا داده و به نیجریه فرار کرده بود، به اتهام ارتکاب جنایت جنگی در لیبریا و سیرالئون در دادگاه کیفری بین المللی تشکیل شده به درخواست شورای امنیت سازمان ملل محاکمه و محکوم شد.

به عنوان مثال دیگر، دادگاه بین‌المللی کیفری مربوط به جنایات در یوگسلاوی سابق بنا بر قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در مه ۱۹۹۳ در لاهه تاسیس شد. این دادگاه اتهاماتی علیه ۱۶۱ متهم طرح کرد که شامل مقامات رسمی مثل نخست وزیر و وزیر و

عضو این دادگاه نیست.

با این حساب آیا تعقیب کیفری قاتلی مثل رئیسی به خاطر مصونیت سیاسی منتفی است؟ آیا تا کنون هیچ مقام رسمی با مصونیت سیاسی مورد تعقیب کیفری قرار نگرفته است؟

این اتفاق افتاده است اما زمانیکه یا شورای امنیت سازمان ملل تعقیب یک مقام سیاسی به اتهام جنایت علیه بشریت را به دادگاه بین المللی کیفری لاهه محول کرده است و یا اینکه خود شورای امنیت دادگاه بین المللی کیفری برای کیس ویژه ای راه انداخته که براساس مواضع و اساسنامه و مقررات ویژه خودش مقامات رسمی مرتکب جنایت را - بعد از خلع اش از مقام رسمی و حتی در مواردی هنگامی که جنایتکار هنوز در پست سیاسی اش

هموار کردن مسیر تعقیب کیفری آیت الله خونریز نقش مهمی ایفا کند. اما در فقدان یک جنبش سیاسی وسیع در ایران و جهان برای تعقیب این عامل منفور "جنایت علیه بشریت"، تلاشهای وکلا میتوانند در لابلای محدودیت قوانین بین المللی، مثل مصونیت سیاسی یک مقام رسمی مثل رئیس جمهور و بی اعتنائی سیاسی و ملاحظات دیپلماتیک و مماشات گری دولتها گیر کنند.

برای مثال، تعقیب کیفری رئیسی توسط "دادگاه بین المللی کیفری" مستقر در لاهه که مهمترین نهاد بین المللی برای تعقیب کیفری به جرم "جنایت علیه بشریت" است، میتواند با این مانع روبرو شود که این نهاد اختیار رسیدگی به جنایتی را ندارد که قبل از تشکیل آن در ۲۰۰۲ و در کشوری رخ داده است که

ارتباط برای گفتن ندارد".

همه اینها البته به معنای این نیست که میتوان دست روی دست گذاشت چون دول غرب فعلا تردید دارند. مساله تماما این است که روسای این دولتها اگر از طرف نهادهای مدافع حقوق انسانها و مخصوصا از طرف افکار عمومی جهان و کمپینهای قدرتمند اجتماعی تحت فشار قرار نگیرند، با بی اعتنائی کامل به پرونده خونین رئیس جمهوری جانی بر خورد خواهند کرد. تکلیف دولتهای روسیه و چین هم که روشن است. سران این دولتها همین امروز حامی جنایتکاران حاکم در ایران هستند.

دلانهای پر پیچ و خم مصونیت سیاسی!

قطعا تلاش حقوقدانهای بشر دوست و عدالت طلب در سطح جهانی میتواند در

ادامه از صفحه ۲

فرمانده نظامی میشد. ۸۴ تن از متهمان محکوم شدند که در میانشان اسلوبودان میلوسویچ رئیس جمهور صربستان، رادوان کارادیچ و راتکو ملادیچ مشهور به قصابان بوسنی - هرزگوین شناخته شده ترینشان بودند که به حبسهای طولانی محکوم شدند.

جدا از پیچ و خمهای قانونی نهادهایی مثل دادگاه بین المللی کیفری لاهه، سؤال این است که آیا این دادگاه اقدامی برای تعقیب کیفری رئیسی خواهد کرد؟ آیا دول غرب از چنین اقدامی استقبال خواهند کرد یا حتی فراتر برای تشکیل دادگاهی مثل دادگاه بین المللی کیفری برای تعقیب جنایتکاران جنگ یوگسلاوی سابق اقدام خواهند کرد؟



همچنانکه قبلا گفتیم محرک اصلی این دولتها در برخوردشان به مساله پیگیری قضایی یک رئیس جمهور جنایتکار پرونده حقوق بشری نیست که اگر بود چنین دادگاهی فوراً تشکیل میشد و رئیسی در ردیف اول این دادگاه می نشست. محاسبات و ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک و منافع تک تک دول غرب و روسیه و چین و سایر دولتهای دخیل و موثر در چنین مواردی حرف اول را میزند.

آنچه که میتواند در برهم زدن این محاسبات نقش جدی ایفا کند، جدا از دهها فاکتور متنوع، کمپینهای وسیع و قدرتمند جهانی است. فقط چنین تلاشی میتواند محاسبات سیاسی دولتها را بر هم بزند، سدها و موانع و اساسنامه و مقررات حقوقی را کنار بزند و راه را باز کند که اگر این آیت الله اعدام قدم به خارج از ایران بگذارد سر و کله اش در یک دادگاه بین المللی پیدا شود.

جنبش برای تعقیب جهانی آیت الله قاتل!

مردمی که خیزش ۸۸، ۹۶ و ۹۸ را خلق کردند؛

اینها محاکمه حمید نوری که بزودی شروع میشود، همه شرایط بسیار مساعدی را برای جلب همبستگی جهانی برای کمپین محاکمه رئیسی فراهم کرده است. با تمام توان باید این شرایط را به فرصتی برای دستگیری و محاکمه رئیسی و قدرتمند کردن جنبش سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل کرد.

واقعیت این است که خامنه ای برای بقاء خود و حکومت اسلامی، یکی از درنده ترین و خونین ترین عمامه دارانش را به عنوان رئیس جمهور تف کرد. تا همینجا معلوم شده است که این یک تف سربالا بود. کار ما این است که باید کاری بکنیم که این عمامه دار خونبار حکومت که بیرون ای از حلقومش به بیرون پرتاب کرده است به حلقوم خودش و حکومتش برگردد و راه تنفس حکومت اسلامی بسته تر شود. هر چقدر جنبش اجتماعی برای تعقیب

کیفری رئیسی گسترده تر و قدرتمندتر و جهانی تر شود همانقدر این اتفاق قطعی تر خواهد شد.

بلکه خود از سازماندهندگان به خاک انداختن آن جانباختگان بوده است، باعث شده است خاوران نام و نشان پیدا کند. به قلبهای میلیونها انسان راه پیدا کند. جهانی شود. باعث شده است صدای جانباختگان خاوران به گوش جهانیان برسد. تازه این اول کار است. پرده اصلی زمانی روی صحنه خواهد آمد که رئیسی جرئت کند پایش را به خارج از کشور بگذارد.

مخصوصاً باید توجه کنیم که همین اخیراً دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در اتریش به نام اسدالله اسدی توسط دادگاهی در بلژیک به جرم توطئه بمب گذاری در جلسه اپوزیسیون به بیست سال زندان محکوم شده است و جنایتکار دیگری به نام حمید نوری که در قتل عام تابستان ۶۷ نقش داشته و تازه زیر دست رئیسی بوده منتظر محاکمه اش در سوئد است.

تحریم رئیسی توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ به اتهام نقض حقوق بشر، درخواست دبیر کل عفو بین المللی برای تعقیب کیفری او به جرم دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی، و در کنار

تعقیب قضایی او به جرم جنایت علیه بشریت میشود. در چنین فضایی است که نام رئیسی به عنوان "آیت الله قاتل"، عضو "هیئت مرگ" ورد زبانها در ایران و جهان و در شبکه های اجتماعی میشود؛ در چنین فضایی است که نقش او در کشتار زندانیان تیترو روزنامه های معتبر میشود؛ تاگس اشپیگل آلمان مطالبی می نویسد که رئیس جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ از شهری به شهر دیگر پرواز می کرده و دستور کشتار و اعدام صادره میکرده است و بالاخره در چنین فضایی است که مسئله تعقیب کیفری یک مقام دولتی جمهوری اسلامی و مساله مصونیت سیاسی به بحث داغ حقوقی و سیاسی در محافل و نهادهای حقوقی بین المللی تبدیل میشود.

گورهای خاوران اگر چه بی نام و نشان هستند اما بولدوزر انداختن حکومت اسلامی نتوانست خاوران را بی نام و نشان کند. نتوانست صدای مادران خاوران را خاموش کند و نتوانست این سند زنده جنایت را نابود کند. رئیس جمهور شدن قاتلی که نه تنها میداند در آن گورها چه انسانهای شریفی خوابیده اند

مردمی در ۲۸ خرداد امسال، صندوقهای کذابی رای را عملاً به یک فراندنم خیابانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کردند؛ مادران دادخواهی که از گورستان خاوران یک جنبش بزرگ دادخواهی راه انداختند؛ جنبش دادخواهی جانباختگان آبان و قتل عام شدگان پرواز ۷۵۲، نهادها و تشکل هایی که در ایران و خارج از ایران علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت میکنند و بالاخره هزاران فعال جنبشهای حق طلبانه و غول عظیم جنبش کارگری که با اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی جان تازه ای گرفته است آن نیروهایی هستند که میتوانند جلب همبستگی جهانی برای تعقیب کیفری رئیسی نقش مهمی ایفا کنند.

یادمان نرود که نگاه مردم جهان به هیولای اسلامی حاکم در ایران بعد از به موشک بستن پرواز ۷۵۲ بسیار عوض شده است. در چنین فضایی است که عفو بین الملل از جمهوری اسلامی به عنوان "ویرانگران انسانیت" یاد میکند و هنوز رئیسی رسماً بر تخت ریاست جمهوری ننشسته خواهان

نه به طالبان، نه به حکومت فاسد، زنده باد قدرت اعتراض مردم



سیامک بهاری

کابوس بازگشت طالبان بر سر مردم افغانستان سایه انداخته است. همه افسانه پردازی‌های دموکراسی آمریکایی و شرکاء غربی یک شبه نقش بر آب شده است. استراتژی شکست خورده آنچه در بیست سال با صرف هزینه میلیاردها دلار قرار بود تروریسم را در افغانستان ریشه کن کند، عملاً به سکوی پرش و قدرت گیری دوباره هیولای تروریسم اسلامی برای ایجاد امارت اسلامی و تشدید تفرقه و جدایی قومی و نژادی ختم شده است!

چشم پوشی عامدانه بر جنایات و پتانسیل توحش نهادینه شده این جریان تروریستی نقطه اتکا و ثقل سازش با طالبان است. آنچه به نام صلح و سازش بخورد مردم افغانستان داده شده است، بازگرداندن طالبان به شرط سر و شاخ نشدن با غرب است.

این حقیقت که هیچ تغییری ولو سطحی در مواضع و بنیادهای ایدئولوژیک طالبان رخ نداده است. برای آمریکا و متحدان آن، دولت‌های منطقه، کاربدستان حکومتی که طالبان را برادران ناراضی می‌خوانند واضح است.

توافقات آمریکا و متحدان آن در منطقه با اسلام سیاسی و تعیین قلمرو برای آن در آسیای میانه است. سپردن بخشی از منطقه به شرط حفظ منافع غرب، مبنای واقعی خروج آمریکا از افغانستان است.

رقبای منطقه‌ای در پس این توافقات و سهم‌خواهی‌ها، راه به قدرت رسیدن، رسمیت بخشیدن و تطهیر این هیولای وحشی را بر سر دست

” احزاب و سازمانهای سوسیالیستی و مترقی، تشکل‌ها و شخصیت‌های آزادیخواه در داخل و خارج افغانستان، در شرایط حاضر، علیرغم پیچیدگی اوضاع و دخالت ده‌ها فاکتور داخلی و خارجی، مصائب و خطرات و محدودیت‌ها، نقش تاریخ سازی به عهده دارند! باید بر این اوضاع چیره شد. تا فرصت باقی است تعرض را سازمان داد و قدرت اعتراض مردم را به میدان آورد. اتحاد بر سر پیروزی مبارزات مردم علیه طالب و حکومت فاسد، مقدم است بر هر منفعت سازمانی، گروهی و تشکیلاتی.“

مقاومت و ایستادگی هست به قدرت و اراده مردمی است که در مقابل این توحش افسارگسیخته ایستاده‌اند و دلیرانه مقاومت می‌کنند.

حاکمیت مطلق بر زندگی مردم، وضع قوانین شریعت اسلامی

در هر نقطه‌ای که طالبان مستقر شده‌اند همان قوانین جاری تحت عنوان ابلاغیه

ادامه در صفحه ۵

جنگ و ترک جبهه، شهرهای بزرگ عملاً در محاصره قرار گرفته‌اند. با کنترل و تصرف شش گذرگاه مهم مرزی با کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، پاکستان و ایران، برتری استراتژیک طالبان بر مرزها، عبور و مرور، منابع مالی و صادرات و واردات و تسهیل در قاچاق مواد مخدر به صورت انحصاری در اختیار این جریان است. ارتش سیصد هزار نفره و آموزش دیده در مقابل مشتی تروریست وحشی و بی‌ریشه، قالب تهی کرده است. هرجا

کوچکترین کمکی بی‌خانمان و آواره شده‌اند.

همه کبکبه و دبدبه غرب فرو نشسته است و عریده تروریسم اسلامی از هر سو بلند است. مناطق بیشتری به دست آنها می‌افتد. دولت مدام کتمان می‌کند و رجز می‌خواند و در عمل دامنه متصرفات طالبان گسترده‌تر می‌شود. با مقابله ضعیف و تحرک ناچیز نیروهای امنیتی و نظامی، خریداری و به تسلیم کشاندن برخی فرماندهان و فرار از میدان

گرفته‌اند. آنچنان صحنه بزرگنمایی شده است که خود طالبان هم نمی‌توانند این قدرت کاذب اعطایی را به سادگی هضم کنند.

در طرف دیگر اما، مردمی بی دفاع در برابر توحش تروریسم اسلامی طالبان، ناامید از حکومتی پوشالی و تا مغز استخوان فاسد در میانه میدان به حال خود رها شده‌اند. تنها از آغاز حملات طالبان، نزدیک به سیصد هزار نفر از مردم مناطق جنگی بدون دریافت

ادامه از صفحه ۴

امارت اسلامی را بر مردم تحمیل کرده‌اند:

مردها نباید ریش خود را بتراشند یا کوتاه کنند. زن‌ها حق ندارند بدون محرم شرعی در بیرون از خانه پا بگذارند. مردها باید هنگام پنج وقت نماز در مساجد حاضر باشند و همه مغازه‌ها در این هنگام تعطیل شوند. تماشای تلویزیون خلاف شریعت است و باید تلویزیون‌ها خاموش باشند. مغازه‌دارها حق ندارند به زنان وسایل آرایش و لباس بفروشند. بازار زنانه خرید و فروش وسایل آرایش و لباس‌های سنتی و محلی تخریب خواهد شد. تمامی مدارس و مکاتب دخترانه فقط تا کلاس سوم باز می‌مانند و بقیه مسدود می‌شوند. فروش گوشت مرغ که در خارج از افغانستان ذبح شده است قطعاً ممنوع است. مردم باید مالیات، زکات و عشر مزارع و دارایی‌هایشان را به این گروه بسپارند.

در طی همین مدت بیشتر از بیست رسانه رادیویی و تلویزیونی در شمال افغانستان تعطیل شده‌اند. دو گزینه در مقابل رسانه‌ها و خبرنگاران است؛ یا فعالیت‌شان را بکلی متوقف کنند یا بر اساس دستورات و سلیقه طالبان به کار خود ادامه دهند. در مناطق زیر سلطه به جز بخش تلاوت قرآن و اخبار فعالیت‌های جنگی طالبان، هر برنامه دیگری ممنوع گردیده است. شورای قضایی طالبان در مناطق تصرف شده از هر خانواده‌ای که اعضای آن در نهاد دولتی شاغل است، خواسته است که یا یک قبضه اسلحه معادل دو هزار دلار امریکایی تحویل دهند یا یک مرد برای جنگ به این گروه تسلیم کنند.

اطلاعیه امارت اسلامی طالبان در باره جهاد النکاح و گرفتن دختران از خانواده‌ها نمونه همان توحش شناخته شده تروریسم اسلامی است که از طالبان تا داعش و جبهه النصره و الشباب و القاعده در حال وقوع است.

جمهوری اسلامی و تطهیر طالبان



قیمت هست و نیست مردم به فنا خواهد رفت.

دفاع از حقوق زنان و آزادی‌های فردی و اجتماعی در مقابل تعرض اسلام سیاسی جز با تعرض مقابل به نتیجه نخواهد رسید. تعرض جنبش مترقی زنان یک سنگر مهم در مقابل توحش طالب است. این تعرض یعنی سازمان دادن و به میدان آوردن حق زن همین حالا! نمایندگی صدای اعتراض زنان همین حالا باید بسیج شود. فردا دیر است.

به میدان آوردن نیروی وسیع اعتراضی در خارج از افغانستان. این نیروی حی و حاضر وجود دارد و باید متشکل و سازمان یافته صفوف خود را منظم کند. بلندگوی فریاد رسای اعتراض شود. میدانهای همه شهرها را به تریبون دادخواهی علیه طالب و حکومت فاسد بدل کند و افکار عمومی جهانیان را با خود همراه کند.

جنبش علیه بازگشت طالبان به یک پلاتفرم روشن و عملی نیاز دارد که همه مبارزین داخل و خارج را در یک صف متشکل کند. هر گوشه‌ای باید به سنگری برای دفاع از مردم مصیبت دیده افغانستان بدل شود. این نیردی بر سر ماندن و نماندن است و باید با نابودی کل ارتجاع حاکم به پیروزی مردم در افغانستان بدل شود. این پلاتفرم و عملی کردن آن وظیفه تاریخی نیروهای سوسیالیست و مترقی است.

لابالی‌گری حکومت، بر سر یک دوراهی بسیار خطرناک قرار گرفته است. هر درجه از تمکین، عقب نشینی بیشتری را به مردم تحمیل خواهد کرد. احزاب و سازمانهای سوسیالیستی و مترقی، تشکله‌ها و شخصیت‌های آزادیخواه در داخل و خارج افغانستان، در شرایط حاضر، علیرغم پیچیدگی اوضاع و دخالت ده‌ها فاکتور داخلی و خارجی، مصائب و خطرات و محدودیت‌ها، نقش تاریخ سازی به عهده دارند! باید بر این اوضاع چیره شد. تا فرصت باقی است تعرض را سازمان داد و قدرت اعتراض مردم را به میدان آورد. اتحاد بر سر پیروزی مبارزات مردم علیه طالب و حکومت فاسد، مقدم است بر هر منفعت سازمانی، گروهی و تشکیلاتی.

یک راه در مقابل جامعه است. نه به طالبان، نه به حکومت فاسد، زنده باد قدرت اعتراض مردم!

در داخل کشور با بسیج و مسلح کردن مردم در مقابل طالبان و ایجاد هسته‌های مقاومت باید عرض اندام کرد. نیرویی باید دیده شود، دخالتگر باشد، چیزی را جابجا کند، سنگری بسازد تا مورد اعتماد و اتکا مردم قرار گیرد. این اولین قدم را باید هرچه زودتر برداشت. احزاب جهادی و اکت و ژست‌های مردم‌خواهی امتحان خود را پس داده‌اند. نه نیرویی بسیج کرده‌اند و نه خواهند کرد. هر درجه که قدرتی هم بدست بیاورند در پای میز معامله به

نیازمند هستند. خصوصیات مشترک و تاجر قرون وسطایی طالبان و جمهوری اسلامی طبعاً راه را برای این نزدیکی و تعامل استراتژیک هموارتر خواهد کرد. نباید فراموش کرد که به هر درجه که طالبان به عنوان یک جریان تروریستی اسلامی در افغانستان بتواند نیروهای سیاسی مترقی و سکولار را به عقب براند و قدرت اعتراض اجتماعی آنان را تضعیف کنند، جمهوری اسلامی خود را با آنان هم جهت تر می‌یابد و با خیال آسوده‌تری به گسترش دامنه نفوذ سیاسی ارتجاعی خود در افغانستان ادامه خواهد داد.

تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی در شرایط حاضر با دعوت رسمی از طالبان با همه مشخصات جنایتکارانه تروریستی، زن ستیزانه، عقب‌مانده و ضد بشری آن ساده و سر راست نیست. جمهوری اسلامی ناچار به تطهیر آن است. شورای امنیت ملی، وزارت خارجه و دستگاه‌های تبلیغی در همین راستا تنظیم رابطه با طالبان را پیش می‌برند. روزنامه کیهان شریعتمداری، رسماً به بلندگوی این تطهیر بدل می‌شود و تلویزیون رسمی کشور به قیاحت زدایی از اعمال طالبان می‌پردازد.

ضرورت فوری عروج اعتراضی علیه وضع موجود

جامعه زخم خورده و مصیبت دیده افغانستان در محاصره توحش طالب و فساد و

استراتژی آمریکا در بازگرداندن امارت اسلامی طالبان، آرایش سیاسی جدیدی در خاورمیانه و آسیای میانه بوجود می‌آورد. به قدرت رسیدن یک نیروی تروریستی اسلامی ایدئولوژیک حنفی بویژه در مرزهای شرقی ایران، که برای بار دوم در توافقات با آمریکا به قدرت سیاسی آورده می‌شود. برای جمهوری اسلامی ایران جایگاه جدی دارد. خلاء خروج نیروی نظامی آمریکا از افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران وسوسه انگیز است. استراتژی حکومت ایران مقابله با حضور نظامی آمریکا در منطقه است. گسترش رابطه با طالبان از این منظر هدف دراز مدت حکومت ایران بوده است. بحران آب یکی از مسائل مورد توجه جمهوری اسلامی در تعاملات دراز مدت با طالبان است. در عین حال طالبان یک جریان یکدست و تابع مرکز نیست. جناح‌های مختلف آن با وابستگی‌های عمیق سیاسی و امنیتی متفاوت با دولت‌های منطقه در حال معامله و بده بستن سیاسی و نظامی‌اند.

از این رو جمهوری اسلامی تأمین تسلیحاتی و تدارکاتی مورد نیاز طالبان، در رقابتهای شدید منطقه‌ای، پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا و ناتو را تقویت می‌کند. ایجاد حسن رابطه و استفاده از ظرفیت‌های تروریستی و ارتجاعی طالبان، تلاش برای خودنمایی در منازعات جاری، برگ برنده برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در عین حال که طالبان عمیقاً به این برسمیت شناخته شدن

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت، دستاوردی بزرگ



شهلا دانشفر و اصغر کریمی در برنامه سازماندهی

ام خرداد ماه داده شد که در آن اعلام اعتصابات سراسری کرد. در همانجا اهم خواستههای کارگران اعلام شد. این بیانیه انعکاس بسیاری در میان کارگران داشت. از جمله در خیرگزاری ها و رسانه ها بیانیه های این شورا و گفتمان هایش انعکاس وسیعی پیدا کرد و از آن به عنوان هماهنگی کننده اعتراضات صحبت شد. تا کنون این شورا شش بیانیه داده و در آنها بر سر مسایل اساسی مبارزات این کارگران قدم به قدم و مسئولانه برخورد کرده است. اینجا در واقع ما دو نوع رویکرد را نسبت به سازماندهی و برخورد به این اعتراضات می بینیم. یکی رویکردی از سوی گروههای مشخصی که شما هم اشاره کردید هست که تحت عنوان مدیریت گروههای بزرگترین ابر گروه کاربایی و پایپینگ و اکیپ پروژه کار میکنند. این گروهها در سال گذشته نیز سعی می کردند یک تاز اعتراضات کارگران نفت باشند و آن را تحت کنترل خود نگاهدارند. و دیگری رویکرد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت است که در سال گذشته چنین نهادی شکل نگرفته بود. و ایجاد آن امسال اتفاقی بسیار مهمی در مبارزات کارگران نفت است. این دو رویکرد را شما در امر سازماندهی چطور توضیح میدهید؟ تفاوت آنها را در چه می بینید؟

اصغر کریمی: تفاوت این دو رویکرد همه جانبه است. هم در بیان خواست های توده کارگر، هم افقی که مقابل کارگر قرار میدهند، هم در اشکال مبارزه و فراخوان هایی که مطرح میکنند و هم ادبیات متفاوتی که دارند. و همینطور حتی اسمی که روی خودشان گذاشته اند. ما در هفت تپه هم شاهد شکل گیری اداره شورایی بوده ایم و کلا شورا افقی است که طبقه کارگر باید مقابل خودش بگذارد برای سازماندهی. شورای سازماندهی خواست های کل کارگران نفت و بخش های مختلف آنها را نمایندگی میکند از جمله این خواست که حقوق هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد برای کارگران که از

تایستان سال قبل هم کارگران نفت اعتصاب قدرتمندی داشتند اما امسال یک مرکز هدایت شکل گرفته است، هویتی به اعتصاب داده است، نوعی رهبری سطح بالا با بیانیه هایی کار شده و گزارشات زنده از مراکز مختلف اعتصاب منتشر میکند و راهکارهایی که به کارگران اعتصابی میدهد اینها یک دستاورد خیلی بزرگی است. اعتصاب بالاخره جایی تمام میشود، آنچه میماند همین سازماندهی است یعنی شورای سازماندهی اعتراضات که تازه شروع کار آن است. بر خلاف سال قبل که چنین مرکز هدایت کننده ای نبود و یا حداکثر تعدادی بودند که خود را قیم کارگران میدانستند و ادبیات سطح نازلی هم منتشر می کردند ولی شورای سازماندهی بیانیه های خیلی محکم، جا افتاده و مسئولانه منتشر میکند و به همین دلیل در مدتی خیلی کوتاه اعتماد کارگران را به خود جلب کرده است و کانال تلگرامی که سازمان داده مرتب دارند کارگران به آن میپیوندند و تا همینجا این یک دستاورد است نه تنها برای کارگران نفت بلکه برای همه کارگران در سراسر کشور. همینطور برای همه مردم که انتظار دارند طبقه کارگر با قدرت جلو بیاید و همبستگی جامعه را جلب کند تا بالاخره تکلیف جمهوری اسلامی را روشن کنند.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در واقع به ظرف ابراز وجود سازمان یافته مبارزات این کارگران تبدیل شده است. به نوعی دارد نقش هدایت کننده را به پیش میبرد. اولین بیانیه اش در سی

شهلا دانشفر: سه هفته از اعتصابات کارگران پروژه ای نفت میگذرد. این اعتراضات از بیست و نهم خرداد ماه شروع شده و همه توجه ها را بخود جلب کرده است. اعتصابی چنین گسترده ابعاد بالایی از سازماندهی و همدلی و اتحاد را به نمایش میگذارد و در متن اوضاع پر تحول جامعه به نقطه امیدی در دل مردم تبدیل شده است. همه با دقت لحظات این اعتراضات را دنبال میکنند. در سطح بین المللی با حمایت های بسیاری پاسخ گرفته است. در درون حکومت ولوله ای به راه انداخته است. در مورد این اعتصابات در برنامه های مختلف صحبت و بحث داشته ایم. در برنامه سازماندهی به این موضوع از زاویه ابعاد سازمانی این اعتراضات و تاثیرات و دستاوردهای آن در جنبش کارگری و اینکه چطور میشود این پیشروی ها را تکثیر کرد و گسترش داد بحث و گفتگو داریم.

اصغر کریمی همانطور که اشاره کردم یک دستاورد اعتراضات گسترده کارگران نفت بعد سازمانیابی آن و بطور مشخص شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمان نفت است. این اعتراضات اساسا در برگرفته کارگران پروژه ای پیمانی نفت است. اولین سوال اینست که این شورا چه جایگاهی در اعتراضات کارگران نفت دارد و تصویر شما از این اقدام و این اتفاق چیست؟

اصغر کریمی: شورای سازماندهی اعتراضات یک دستاورد بزرگ اعتصاب قدرتمند و سراسری است که توجه همه را به خود جلب کرده است.

هیچ گونه تجمعی نکنید، بهانه بدست ندهید، تجمع اغتشاش است تاکید داشت و همه تلاشش دور کردن کارگر از محل کار بود با این عنوان که بروید پیش خانواده هایتان، خوش بگذرانید، ما همانند سال گذشته نامه می دهیم به سران حکومت و پیگیر هستیم. یعنی سیاست خانه نشین کردن کارگر و دور کردن آن از اعمال نظر و اعمال اراده مستقیم در روند مبارزه را دنبال میکنند. رویکرد دیگر در شورای سازماندهی کارگران نفت است و یا در هفت تپه شاهد بودیم که می گفتند ما شورایی تصمیم میگیریم. کارگران میگویند ما اجازه نمیدهیم مذاکرات پشت پرده صورت بگیرد که از بالای سر ما زد و بند شود و ما نمایندگان خود گمارده نمیخواهیم. تفاوت این دو رویکرد را آشکارا میشود دید. تشخیص این دو رویکرد برای کارگر آموزش دارد. به این معنا که اجازه ندهد مبارزه او را از بالای سرش به بیراهه و بدنبال این جناح و آن جناح بکشند. و خود قدرتمند و با ابزار خودش به میدان بیاید و این یکی از نقطه قوت های ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت است. در عین حال در همین وانفسا می بینیم حکومتیان دارند از سر ایجاد شورای اسلامی وارد قضیه میشوند. از آن طرف افرادی تحت عنوان کمیسیون بیست ده با باند رئیسی و ظاهرا دولت آینده مذاکره میکنند و از طرفی عده ای از طرف اداره کار و دفتر منطقه ویژه اقتصادی وارد کار میشوند و حرف همه شان تشکیل شورای اسلامی است. دارو دسته رئیسی میخواهند همان اداره کارشان در منطقه ویژه اقتصادی را شورای اسلامی کنند که نشان میدهد شورای اسلامی فرقی با اداره کار جمهوری اسلامی ندارد. جناح دیگری می گوید خیر اداره کار بالای دست شورای اسلامی است و بر تشکیل شورای اسلامی بر اساسا قانون کار تاکید دارد. اینلا هم با گفتن اینکه مبارزه کارگران را سیاسی

دو سه میلیون تا هفت هشت میلیون میگیرند و همینطور افزایش دستمزد در سایر سطوح نفت، یا خواست ده روز تعطیلی در مقابل بیست روز کار، بهبود شرایط زیست و خوابگاه و داشتن سلف سرویس، این با بی احترامی کامل به کارگران برخورد میشود کارگری که اینهمه زحمت میکشد و درآمد برای مفت خوران کسب میکند باید در پلاستیک به او غذا بدهند که در گوشه ای بنشیند غذایی را بخورد و همینطور سایر خواست های کارگران نفت و این خواست ها است که متحد کننده دهها هزار کارگر اعتصابی است و یا اینکه چطور مذاکره کنند، چطور جلو تفرقه را بگیرند، به حکومت و ارگانهایش یا قانون ضد کارگری توهیم ایجاد نکنند، اما بر خلاف شورای سازماندهی نهاد دیگری که ادعای هدایت مبارزات کارگران را دارد، ادبیاتی گاهها تهدید کننده خطاب به کارگران دارد که شورای اسلامی هم اینطور برخورد نمیکند. به همین دلیل دارد حاشیه ای میشود و همه توجهات دارد بطرف شورای سازماندهی جلب میشود چون واقعا نیاز کارگران است. کارگران به چنین تشکل رادیکالی نیاز دارند که نه تنها خواست های آنها را نمایندگی کند بلکه با فرهنگی مدرن و انسانی و مسئولانه برخورد کند. همه اینها را در شش بیانیه ای که شورا منتشر کرده به خوبی میتوان دید. به همین دلیل این شورا یک دستاورد این اعتصاب است و جای خود را در میان همه کارگران پیمانی و رسمی دارد باز میکند و به نظر من به مهمترین تشکل کارگری در طول تاریخ ایران تبدیل میشود. یا لاقل به نظر من این زمینه را دارد و امیدوارم با پیوستن وسیع بخش های مختلف کارگران نفت به این تشکل این جایگاه را هرچه زودتر پیدا کند.

شهلا دانشفر: جدا از نکاتی که شما اشاره کردید یک وجه تمایز دیگر که در اشکال مبارزه قابل مشاهده است. گروههای پایپینگ تحت عنوان کمیسیون تخلیه سراسری کمپ ها از ابتدا تاکیدش بر خالی کردن محیط های کار و بر اینکه

ادامه از صفحه ۶



هوشنگ پزیشک نیل/از مجموع نقاشی های کارگران صنعت نفت جزیره خارک

کنند برای تداوم مبارزاتشان.

شهلا دانشفر: خبردارید که

روز گذشته کارگران پتروشیمی آبادان تجمعی داشتند علیه اخراجها و یکی از شگردهای کارفرمایان و پیمانکاران در مقابله با اعتصاب کارگران اخراج کارگران روزمزد بوده است. از جمله دو هزار نفر فقط در عسلویه اخراج شده اند. و الان زمزمه های برپایی تجمعات اعتراضی در میان کارگران شنیده میشود و همین دارودسته هایی که بحث تشکیل شورای اسلامی را به میان آورده اند به درون این حرکت ها رفته و بنرهای قانون کار اجرا باید گردد و شورای اسلامی باید تشکیل شود را به میان کارگران برده اند. اما از اینها بگذریم اجازه بدهید که با توجه به تجربه ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات به تأثیرات این تجربه در سطحی فراتر از نفت برویم. این اقدام در واقع یک تجربه عملی از تشکیل شوراهاست. از آن طرف تجربه نیشکر هفت تپه را داریم که با برپایی تجمعات بزرگ خود گفتند شورایی تصمیم میگیریم و عملاً سنگ بنای شوراها را گذاشتند و گفتند اداره شورایی را جلو آوردند. از سوی دیگر تجربه کارگران اعتصاب نفت را داریم. چطور میشود این تجربیات را تکثیر کرد و چطور میشود این گفتارها را بدون جنبش کارگری و کل جامعه برد؟

اصغر کریمی: اجازه بدهید یک

نکته به نکاتی که شما مطرح کردید اضافه کنم و بعد سراغ سوالاتان بروم. بنظر من تنها کارگران هفت تپه که بدلیل سالها مبارزه متحد و قدرتمند تجارب بسیار ارزشمندی دارند بلکه کارگران سایر مراکز در سطح کشور نیز که میدانند شورای اسلامی چه نقش مخربی در سردواندن کارگران داشته است خوب است به کارگران نفت پیام بدهند و جنبشی در همبستگی با کارگران نفت، شورای همبستگی و علیه ایجاد شورای اسلامی شکل بدهند. در مورد تکثیر حرکت نفت در سایر مراکز کارگری نیز، الان تحولات مهمی در جامعه در جریان است، جمهوری

نکنید از ضرورت تشکیل شورای اسلامی تحت عنوان "تشکل کارگران" دم میزنند. این تحركات بر سر ایجاد شورای اسلامی در نفت را چطور توضیح میدهید؟

اصغر کریمی: تا آنجا که مربوط

به کمپین تخلیه سراسری کمپ ها است بنظر من کارگران دارند از آن عبور میکنند و کم کم اسمی هم از آن باقی نمی ماند. مساله اصلی رودررویی با رژیم و سیاست های رژیم است. جمهوری اسلامی در نفت حتی همان شورای اسلامی را هم در ۴۲ سال گذشته ایجاد نکرده تا اسم هیچ نوع تشکلی در واقع در نفت مطرح نشود و هر نوع تشکلی ممنوع باشد تا جلو متشکل شدن کارگران در اشکال رادیکال را بگیرد. و الان که میبینند شورای سازماندهی جای خودش را باز کرده، توجه وسیعی جلب کرده و کارگران دارند به آن می پیوندند به فکر این افتاده اند که شورای اسلامی را در نفت علم کنند. اما همینطور که کارگران هفت تپه در مقابل درست شدن شورای اسلامی ایستادند و خیلی از مراکز دیگر که عملاً کارگران شورای اسلامی را نمایندند خود نمی دانند و با انتخاب نمایندگان خود آنرا دور میزنند، در نفت هم کارگران باید جواب محکمی به این مساله بدهند باید بگویند تشکل خودمان را ایجاد کرده ایم، به آن می پیوندیم، آن را گسترش میدهیم. فعالین کارگری در صدها مرکز نفت در نقاط مختلف کشور حضور دارند و نیروی عظیمی هستند باید دور این تشکل و خواست ها و رویکردهایش جمع شوند. این تشکل واقعی کارگران است و نیازی به شورای اسلامی و تشکل های حکومتی و نمایندگان قییم مآب نیست. من تردیدی ندارم که این شورا به سرعت حمایت بخش های مختلف کارگران نفت را جلب میکند و به تشکل همه آنها تبدیل میشود. فراخوان من این است که کارگران پیمانی و رسمی و پروژه ای و ارکان ثالث و غیره وسیعاً به شورای سازماندهی پیوندند و سنگر مستحکمی را در نفت ایجاد

تبدیل به محل تصمیم گیری شورایی کنند. نمایندگان خودشان را انتخاب کنند. نمایندگان گزارش میدهند و مطابق تصمیمات کارگران عمل میکنند. در عین حال از طریق گروه هایشان در تلگرام امکان دخالت حداکثری بدنه کارگری و حتی خانواده ها فراهم است و به این شکل میتوانند شورای سازماندهی اعتراضات خود را تشکیل دهند. و در جاهایی مثل نفت و موسسات وابسته به آن تجربه شورای سازمانده کارگران پیمانی نفت را دارند. که همان گروههای تلگرامی که اتاق فکر اعتراض آنهاست و از آن طریق با هم مراد و ارتباط دارند، از همان طریق میتوانند شورای سازماندهی خود را اعلام کنند و از آن طریق گفتمانهای خود را سراسری جلو ببرند. و با جوابگو شدن به مسایلی که قدم به قدم پیش می آید امر سازماندهی را جلو ببرند. اصغر کریمی آخرین تأکیدات شما چیست؟

اسلامی در بحران عمیق قرار دارد، اعتراضات بسرعت در حال گسترش است و توان حکومت در مقابله با کارگران بسیار کم شده است، کارگران در تمام مراکز کارگری می توانند تجربه کارگران نفت را بکار بگیرند و همه جا شورای سازماندهی اعتراض را ایجاد کنند. مخصوصاً در مراکز که و آتش نشانی و یا معلمان و کلا مراکز که سراسری هستند یعنی شعباتشان در شهرهای مختلف وجود دارد زمینه ایجاد شورای سازماندهی خیلی فراهم است و به این معنی کارگران نفت قدم مهمی در سازماندهی خود برداشتند نه تنها برای خودشان بلکه بعنوان یک الگو برای کل طبقه کارگر.

شهلا دانشفر: نکات بسیار

مهمی را اشاره کردید. در واقع این اتفاقات یک پیشروی مهم و تحول ساز در جنبش کارگری است. شما مراکز را اشاره کردید. معادن را نیز میشود به این لیست اشاره کرد که جنب و جوش اعتراضی در آنها بسیار است. آنجایی که تجمعات هست. اعتراضات بر پایه تجمعات بنا میشود. مثل معادن فاریاب و کرمان، تجربه نیشکر هفت تپه بسیار آموزنده است. که همان اجتماعات را

اصغر کریمی: اولاً میخواهم

بگویم زنده باد رهبران کارگری در نفت که شورای سازماندهی را ایجاد کردند. کارشان یک اقدام تاریخی است و امیدوارم با پیوستن صدها فعال کارگری نفت به این شورا جبهه محکمی ایجاد کنند

ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی؛ عروج اعتصابات و اعتراضات توده ها و جنبش دانشجویی!



امیر عسگری

در برهه ای به سر می‌بریم که هزاران کارگر نفت در اعتصابات سراسری علیه تبعیض، فلاکت، فقر در مقابل حاکمیت سرمایه داری دزد محور اسلامی در مبارزات وسیع به سر می‌برند و خواهان خلاصی از وضعیت کنونی با سایر بخشهای زحمت‌کش جامعه می‌باشند. اعتصاب بیش از ۱۰۰ مرکز نفتی و اعتصابات سایر بخشهای جامعه گواه به تنگ آمدن جامعه و به خصوص طبقه کارگر و مزدبگیران از فشارهای طبقاتی، معیشتی و حتی امنیتی و سیاسی است. این در حالیست که بعد شکست سیاسی انتخابات جمهوری اسلامی و از دست دادن مشروعیت سیاسی ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی با عدم مشارکت مردم در انتخابات و گفت‌وگو سرنگونی بعنوان تنها رای مردم موجب این غلیبان توده ای و فضای اعتراضی را بدیگترین مواضع سیاسی شده است.

حکومت اسلامی در برهه کنونی تمامی بخش های جامعه از کارگران گرفته تا بازنشستگان تأمین اجتماعی را در شکل اعتصابات و اعتراضات وسیع و همگانی در مقابلش می بیند. رئیسی موقعی به قدرت می‌رسد که جمهوری اسلامی در استیصال کامل سیاسی-اقتصادی به سر میبرد این یک معنی واضح دارد، حکومت سیاست بکش و زنده بمان را اگر بتواند می‌خواهد ادامه دهد و جلاد مردم را عاقدانه به عنوان ریاست جمهوری انتصاب میکند تا به مردم اعلام کند در مقابل اعتراضات شان و هر احتمال خیزش مردمی جدید در مقابل با حکومت قاتل و جلاد مردم روبرو خواهند بود.

مبارزات خود در کنار بیان مطالبات طبقه کارگر و خود جنبش دانشجویی در مقابل حکومت بصورتی مقتدرانه ایستاده و خواهان خاتمه دادن به وضعیت کنونی شوند. خلاصی از شر سرمایه داری دزد محور اسلامی، خلاصی از قوانین اسلامی همچون حجاب اجباری در همگرایی با جنبش نوین رهایی زن، خواست تشکل یابی مستقل، کوتاه شدن دست نیروهای امنیتی از دانشگاه و خواستهایی که ریشه طبقاتی و اجتماعی دارند را با توجه به توازن قوای سیاسی ایجاد شده در جامعه بتوانند جنبش خود را به پیش برانند. تبعیضات، نابرابری ها، فشارها، احکام، زندان، شکنجه و دست اندازی حکومت بر پیکره دانشگاه همچنان ادامه دارد و حل این معضلات نیاز به پیوستگی مبارزات دارد و گام به جلو برداشتن دانشجویان اولویت این عرصه مبارزاتی است.

سراسری کارگران در برابر کلیت نظام حاکم بشود. با توجه به اینکه تفاوت نظرها و یا پراتیک بعضی جریانات سیاسی در جنبش دانشجویی موجب تاخیر در حضور دانشجویان در این همگرایی طبقاتی با کارگران نفت شد، اکنون جنبش دانشجویی در حدی بهتر از ابتدای اعتصابات سراسری حاضر شده ولی برای تاثیر گذاری موثر در فضای سیاسی نیاز به تلاشها و اقدامات فراتر از سوی بدنه جنبش دانشجویی در فضای کلان سیاسی احساس میشود. جنبش دانشجویی فراتر از برهه ای قرار دارد که میگفت؛ «فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم»، اکنون فشار طبقاتی و سیاسی به حدی رسیده که جامعه در انزجار و انفجار خشم طبقاتی-سیاسی دست به یقه در مقابل حکومت ایستاده است.

مردم نیز که در این شرایط از یک سو دیگر نای تحمل فلاکت طبقاتی، تبعیض، سرکوب و تهدید را ندارند و از سوی دیگر خواهان دوام راه نیمه رفته آبان ۹۸ را دارند در این فضای سیاسی در تلاش برای دوام دادن به مبارزات خود هستند تا بتوانند بکلی از سیستم اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه خلاص شوند. توده ها که جان به لبشان رسیده، با تمامی قوا ضمن دوام اعتصاب عمومی خواهان خواست‌های طبقاتی ای هستند که تنها با به زیر کشیدن حکومت اسلامی معنی پیدا میکند.

بخش های مختلف جامعه از معلمان، بازنشستگان، کارگران گرفته تا وکلا و بخشهایی مهم و تأثیرگذار در جنبش دانشجویی همگرایی و همبستگی خود را با کارگران نفت و اعتصابات شان اعلام کردند و این همگرایی طبقاتی به گوش هر انسان و فعال آزادی خواه در جهان رسیده و موجب همگرایی و حمایت بین‌المللی اعتصابات

دانشجویان همانطور که پرچم دادخواهی را از دیماه ۹۸ علم

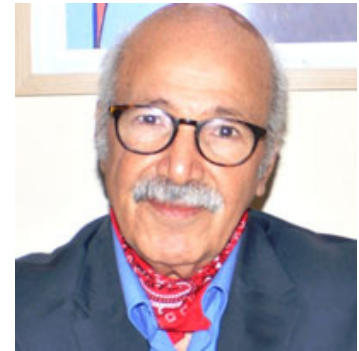
دانشجویان در برهه کنونی از هر فرصتی برای پیشبرد

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث های صوتی پادکست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

مفهوم سیاست و جایگاه حزب سیاسی



کاظم نیکخواه

بحث امروز ما در مورد سیاست و حزب و اهمیت پیوستن به حزب است. اول اشاره کنم که حزب یک سازمان یا یک تشکل سیاسی فراگیر است. مهمترین خصیصه یک حزب سیاسی بودن آنست. روشن است که خیلی از سازمانهایی نمیشوند نیز سیاسی اند. یعنی میخواهند در دولت و در سیاست یا در قانون دخالت کنند. اما ویژگی احزاب اینست که اساسا همگی بنا به تعریف سیاسی اند. بنابراین برای اینکه بدانیم حزب چیست و اهمیتش چیست و چرا باید به حزب پیوست و چه حزبی را باید انتخاب کرد فکر کردم که یک مقدماتی را در مورد سیاست و جنبشهای اجتماعی و مبارزه سیاسی بگویم و بعد برسیم به حزب و تحزب.

سیاست به چه معناست؟

در یک سطح پایه ای سیاست یعنی آرایش طبقاتی. اینکه

نمیتوانید دست بزنید و یا بهتر است بگویم حذف کنید یا زیر و رو کنید. در این سیستم اصول کالایی، سیستم بازار، سیستم پولی، اصل رقابت جایگاه تعیین کننده بانکها و امثال اینها جزو اصول است و نباید دست بخورد. میتواند تقویت شود اما نباید تضعیف شود. همه اینها در خدمت این هستند که یک طبقه بنام طبقه سرمایه دار بر جامعه حاکم باشد. و بدون اینکه کاری انجام دهد ثروت اندوزی کند. اینها همه اجزاء آرایش طبقاتی در دوره کنونی هستند. و بیان میکنند که کدام طبقه در چه موقعیتی قرار دارد. سرمایه دار و سنتها و مصالحش در راس جامعه است و بر این اساس وجود کارگر برای استثمار شدن مهم است و استثمار کارگر و دستمزد دادن به او در حد زنده ماندن و غیره بسیار حیاتی است. این دو طبقه، طبقات اصلی در این نظام هستند. یکی حاکم و یکی محکوم. یکی استثمار کننده و یکی استثمار شونده. این آرایش طبقاتی در دوره کنونی یعنی در سرمایه داری است. فعلا بیشتر از این به مفهوم سیاست نمی پردازم و امیدوارم همینقدر روشن باشد که وقتی میگوییم سیاست یعنی آرایش طبقاتی منظورمان چیست.

دولت و سیاست

اما ما همیشه گفته ایم که سیاست به دولت ربط پیدا میکند. سیاست یعنی هر چیزی که به دولت مربوط است و امثال اینها. سوال اینست که وقتی از آرایش طبقاتی صحبت میکنیم دولت در کجای این آرایش قرار میگیرد؟ و این سوال بسیار مهمی است. دولت در واقع حافظ آرایش طبقاتی در هر دوره معینی است. دولت بعنوان ابزار سرکوب طبقاتی تضمین میکند که این آرایش طبقاتی سر جای خودش بماند کار کند و به این شکل و یا آن شکل تنظیم شود. به همین دلیل دولت مهمترین عامل در آرایش طبقاتی و بارزترین دیده شونده ترین نهاد در هر سیستم طبقاتی است. به همین دلیل دولت جایگاهی دارد که بطور عینی خودش

را بعنوان کل آرایش طبقاتی نشان میدهد. بعنوان اساسی ترین نهاد سیاسی در هر دوره ای. هر کس که بخواهد به گوشه ای از نظام و مناسبات موجود دست بزند با دولت طرف میشود و باید طرف شود. برای تغییر توازن قوا باید مانع دولت را در وهله اول کنار زد. به این مفهوم است که مبارزه سیاسی یعنی مبارزه با دولت. فعالیت سیاسی یعنی فعالیتی که به دولت به نحوی مربوط میشود و الی آخر.

اما مبارزه با یک دولت معین وقتی که کسی کاری به آرایش طبقاتی نداشته باشد. یعنی به سیستم و مناسبات و سنتها و قوانین و بوروکراسی و ایدئولوژی حاکم کاری نداشته باشد، سیاست یک جامعه را تغییر جدی نمیدهد. برخی جریانات در مبارزه سیاسی خود فقط به دولت کار دارند. خیلی هایشان فقط به گوشه ای از دولت و حکومت ایراد دارند. مثلا در مورد جمهوری اسلامی بخشی از اپوزیسیون راست در ایران نوک حمله شان به "آخوندی" بودن حکومت است و به اسلام و قوانین اسلامی و بوروکراسی و نیروی سرکوب و سرمایه داری حاکم کاری ندارند. بعضی حتی میخواهند بخش اعظم آخوندها را در سیستم نگه دارند و یک طیف معینی یا افراد معینی را کنار بزنند. این هم یک نوع مبارزه سیاسی است. اما مبارزه ای که سیاست حاکم را دست نمیزند. جایگاه طبقات و مثلا حقوقهای نجومی و زندگی زیر خط فقر اکثریت و استثمار وحشیانه کارگران را نمیخواهد دست بزند. این مبارزه سیاسی است اما در چارچوب همین سیستم و سیاست موجود. حتی ممکن است رفرم جدی ای هم با این مبارزه صورت نگیرد. بعضی در ظاهر حرفهای تندی علیه مثلا خامنه ای میزنند اما در واقع همان سیستم حاکم را میخواهند به این شکل و یا به آن شکل نگه دارند و مهره های حافظ آن سیستم را تغییر دهند.

شیوه های مبارزه هم بعضا متناسب با اهداف معینی است. کسی که میخواهد مردم

را برای انقلاب علیه حکومت بسیج کند یک جور سیاست را مد نظر دارد و کسی که میخواهد استحاله و رژیم چنج و انتخابات آزاد و گذار مسالمت آمیز و امثال اینها را دنبال کند اهداف کاملا متفاوتی را دنبال میکند.. امیدوارم در این رابطه بطور مستقل بتوانیم بحثی داشته باشیم.

حزب و تحزب

اما برسیم به حزب و تحزب. گفتیم که حزب یک تشکل سیاسی است. یعنی میخواهد به نحوی در دولت و کارکرد دولت و مناسبات طبقاتی دخالت کند. اینکه چه دخالتی میخواهد بکند بستگی به برنامه و استراتژی دارد و همچنین سبک کار و غیره. احزاب رفرمیست داریم. احزاب انقلابی داریم. احزاب فاشیستی. احزاب چپ. احزاب راست. احزاب کمونیست. احزاب اسلامی و کلا مذهبی. بهرحال انواع و اقسام احزاب وجود دارند. هرکدام از آنها میخواهند امری را پیش ببرند. وجود احزاب و تشکلهای سیاسی متعدد در جامعه به دلیل اینست که منافع و مصالح طبقاتی و سیاسی متفاوتی در جامعه وجود دارد. بعضی ها این تعدد تشکلهای سیاسی را فقط به تنگ نظری و سکتاریسم و فرقه گرایی این تشکلهای ربط میدهند. مثلا این را بسیار شنیده ایم که میگویند امروز باید امر اصلی همه احزاب سرنگونی جمهوری اسلامی باشد و همه احزاب با هم متحد شوند و بعد که این حکومت سرنگون شد اختلافاتشان را حل کنند. این یک سناریوی بسیار ساده احزاب مختلف سیاسی در همه جای دنیا سیاستها و جهت گیریهای متفاوتی نسبت به حکومتها دارند. یکی میخواهد حکومت را اصلاح کند و تقویت کند. یکی میخواهد وارد دولت شود. یکی مساله اش اینست که گوشه ای از حکومت را کنار بزند اما ارتش و مذهب و بوروکراسی را نجات دهد. همه اینها که اشاره کردم میخواهند

ادامه از صفحه ۹

آرایش طبقاتی موجود را نگه دارند و حفظ کنند. اما حزبی مثل حزب کمونیست کارگری می‌خواهد کل سیستم طبقاتی از اساس زیر رو شود و جامعه انسانی شود. هیچ گوشه‌ای از این سیستم حاکم موجود را قبول ندارد. این سیاستها با هم خوانایی ندارند. ثابا حتی در مورد نفس سرنگونی هم احزاب با هم اختلافات و تفاوت‌های جدی ای دارند. تشکلی که با نفس انقلاب مردم علیه سیستم حاکم مخالف است و حتی حاضر نیست کلمه انقلاب را هم بطور مثبت به کار ببرد و تمام تلاشش اینست که تغییراتی جزئی در چارچوب همین سیستم ایجاد شود با تشکل و حزبی که می‌خواهد مردم را به انقلاب کردن برای زیر و رو کردن کل سیستم موجود بسیج کند و انقلاب را تنها ابزار دخالت مردم در اوضاع کنونی میدانند با هم نمیتوانند یکی شوند. یا ائتلاف کنند و غیره. بهرحال اینجا بیشتر به این مساله نمی پردازم چون بحث در مورد حزب است و نه رابطه احزاب با هم. فقط این را اضافه کنم که تا آنجا که به اتحاد بر میگردد برای پیروزی مهمترین فاکتور اینست که مردم با هم متحد شوند. همیشه احزاب متعددی وجود دارند و خواهند داشت. نباید نگران این موضوع بود. این از واقعیت‌های اجتماعی ناشی میشود. احزاب ممکن است در مقاطعی در زمینه معینی با هم متحد شوند یا نشوند. اما مهم اینست که اکثریت مردم یعنی کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و بخش اعظم زنان متحد شوند. حال تحت رهبری یک حزب و یک سازمان یا احیانا یکی دو حزب. اتحاد احزاب وقتی که نتیجه اش اتحاد بخش‌های مختلف مردم است معنای جدی و اجتماعی دارد و مهم است. نه در هر شرایطی و هر اتحادی.

احزاب و جنبشهای اجتماعی

یک نکته دیگر هم که مهم است که اینجا اشاره کنیم اینست که احزاب به جنبشهای اجتماعی

تعلق دارند. یعنی بر متن یک جنبش اجتماعی شکل میگیرند. این یعنی چه؟ یعنی یک گفتمان و یک جنبش در سطح جامعه قبلا وجود دارد و احزاب بر اساس آن جنبش ایجاد میشوند. کمونیسم و چپ و سوسیالیسم یک جنبش موجود در سطح جامعه است. چه حزبی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. گرایش به فرم در جامعه وجود دارد. گرایش به اسلام و مذهب در سطح برابری و آزادیخواهی و انسان دوستی وجود دارد. گرایش ضد سرمایه داری وجود دارد. بعد آدمهایی که به این جنبشها و در این سنتها فکر میکنند احزاب مورد نظر خودشان را تشکلهای منطبق با تفکر خودشان را تشکیل میدهند. یعنی جنبشهای اجتماعی بر احزاب تقدم دارند. اول جنبشهای اجتماعی که گفتمان و ایدئولوژی و سنتهای خاص خود را دارند در جامعه شکل میگیرند و بعد احزاب معینی بر متن و بر اساس آن جنبشهای تشکیل میشوند. و قاعدتا هر جنبش اجتماعی چندین حزب و تشکل سیاسی را بیرون میدهد. نه یک حزب.

بنابراین اینجور نیست که حزب خلق الساعه توسط یک عده ای که فکری بسرشان زده تشکیل میشود. بلکه در سطح جامعه سنتهایی و فکریهایی و گرایشاتی وجود دارند. گرایشاتی وجود دارند و احزاب طرح و برنامه و خط و جهت گیری ای را بر متن آن گرایشات تشکیل میدهند. مثلا احزاب کمونیست را فکر کنید. در جامعه میلیونها نفر فکر میکنند سرمایه داری سیستمی ناعادلانه و غیر منطقی است. فکر میکنند استثمار کارگران باید از بین برود. حقوقها و ثروت‌های نجومی یک اقلیت، و فلاکت و فقر اکثریت را قبول ندارند. فکر میکنند فاصله طبقاتی، فاصله فقر و ثروت غیر منطقی و غیر قابل قبول است. امتیازات طبقاتی یک اقلیت را نسبت به اکثریت مردم قبول ندارند. به اشکال مختلف اینطور فکر میکنند. ممکن است برای این تفکرات تئوری داشته باشند

یا خیلی ساده فکر میکنند که چرا یک عده ای باید مفتخوری کنند و اکثر مردم جان بکنند. بر اساس این گفتمانها و ایده ها آدمهایی دور هم جمع میشوند که با هم کاری در جهت ایده هایشان بکنند. احزاب و کل همه تشکلهای بر این متن و بر اساس این جنبشها و گفتمانهای اجتماعی شکل میگیرند.

حزب سیاسی طبقه کارگر

با این مقدمه برویم سراغ حزب سیاسی طبقه کارگر. برای اینکه بدانیم منظور از حزب سیاسی طبقه کارگر چیست باید ببینیم گرایش و گفتمان غالب در میان کارگران چیست. چه گرایشاتی در میان کارگران ملموستر و بارزتر است و کارگران معمولا چه فکر میکنند.

برای پاسخ به این سوال به سراغ کارگران میرویم. بطور معمول و به دلیل شرایط زندگی و کار و موقعیت اجتماعی، کارگران بطور معمول از سرمایه دار و از حقوق بگیران نجومی و از تمایزات طبقاتی متنفرند یا بهرحال با آن مخالفند. کارگران مدام از بی عدالتی ای که علیه آنها اعمال میشود ناراحت و معترضند. کارگران با کارفرما خود را در دو جبهه مخالف می بینند. کارگران می بینند که حقوق و مزدی که میگیرند عادلانه نیست. منصفانه نیست. کارگر مدام دولت را در مبارزه برای بهبود وضعیت زندگیش مقابل خودش می بیند.

اینها یعنی ضد سرمایه داری بودن، ضد استثمار بودن، ضد امتیازات طبقاتی بودن و ضد کارفرما و سرمایه داران بودن معمولا از خصوصیات و گفتمانهای بسیار رایج در میان کارگران است. اینها در واقع میشود گفت گرایشات طبقاتی و طبیعی در میان کارگران است. جنبش سیاسی طبقاتی اصلی در میان کارگران همینها و گفتمانهایی در این راستاست. به همین دلیل دفاع از سرمایه داران و سرمایه داری گفتمان رایجی در میان کارگران نیست. دفاع از کارخانه داران سمیاتی به بالا دستیها و امثال اینها

گرایشات رایجی در میان کارگران نیست. معمولا درست برعکس است. اگر بخواهیم از مفهوم جنبشهای اجتماعی که اشاره کردم استفاده کنیم جنبش اجتماعی معمول و رایج و مشترک در میان کارگران همین گفتمان ضد سرمایه داری و ضد استثمار و ضد امتیازات طبقاتی است. اینجا فرصت نیست که توضیح بیشتری بدهم که کلا جنبشهای اجتماعی خاستگاه طبقاتی دارند و مصالح طبقات را بیان میکنند. بهرحال این گفتمانها که در مورد کارگران اشاره کردم بستری است که بر متن آن و بر زمینه آن فقط احزاب کمونیست و چپ میتوانند تشکیل بشوند و نه احزاب راست و مدافع سرمایه داری. به همین دلیل گفته میشود که حزب سیاسی طبقه کارگر یک حزب کمونیست است. یعنی حزبی که این گرایش اصلی در میان طبقه کارگر یعنی مقابله و مخالفت با سرمایه داری و استثمار و تبعیضات طبقاتی را نمایندگی کند و علیه آنها مبارزه کند و نیرو بسیج کند و تلاش کند که آنها را کنار بزند. به زبان دیگری اگر بخواهیم بیان کنیم باید بگوییم که مصالح طبقاتی کارگران ایجاب میکند که در حزب ضد استثمار و ضد تبعیضات طبقاتی یعنی حزب کمونیست متشکل شوند.

چرا همه کارگران کمونیست نیستند؟

آیا این به این مفهوم است که ما میگوییم کارگران خود بخود خود را کمونیست میدانند؟ یا همه کارگران به احزاب کمونیست می پیوندند؟ روشن است که با وجود اینکه حزب سیاسی طبقه کارگر یک حزب کمونیست است همه کارگران نه کمونیستند و نه به احزاب کمونیست می پیوندند. چرا؟

ببینید در عالم سیاست یا در گستره جامعه احزاب و جریانات خیلی لخت و عور و سراسرست مقابل هم نمی ایستند. کمونیستها خیلی روشن میگویند ما طرفدار طبقه کارگریم. اما اینطور نیست که احزاب دیگر هم

بگویند ما طرفدار سرمایه داری و سرمایه داران هستیم و یا طرفدار زمین داران هستیم و غیره. اگر این طور بود خودبخود کارگران بطرف احزاب کارگری و کمونیستی میرفتند. طبقه سرمایه دار از ابزارهای بسیاری برای جلب کارگران و بقیه مردم به اهداف خودش استفاده میکند. یکی از این ابزارها مذهب است. تفرقه مذهبی باعث میشود که بخشهایی از طبقه کارگر مقابل هم طبقه ایهای خودشان بایستند. من مسلمانم تو مسیحی هستی. من شیعه ام تو سنی هستی. من مسیحی ام تو بهایی هستی و امثال اینها. مذهب یک ابزار موثر و مهم تفرقه در میان کارگران و حفظ سیستم ستم و استثمار است. علاوه بر مذهب ناسیونالیسم و قوم پرستی هم یک ابزار که سرمایه داران از آن برای تداوم وضع موجود و تفرقه در میان کارگران و مخدوش کردن منطق واقعی و زمینی استفاده میکنند. ناسیونالیسم باعث میشود که کارگران دشمنان خودشان را دوستان تلقی کنند. تعصبات ناسیونالیستی کارگران را به سیاهی لشکر احزاب و دستجات بورژوازی یعنی متعلق به طبقه سرمایه دار تبدیل میکنند. در این زمینه هم در برنامه های دیگری سخن گفتیم. علاوه بر مذهب و ناسیونالیسم و قوم گرایی، میتوان به مباران تبلیغاتی دستگاههای تبلیغاتی حاکم علیه کمونیسم علیه رهبران کارگری و غیره اشاره کرد که در این تبلیغات وانمود میکنند که دنیا همین است که هست و کسی که میگوید سرمایه داری باید از بین برود خیالپرداز است و غیره.

علاوه بر همه اینها یک ابزار دیگر مانع اتحاد کارگران در احزاب طبقاتی شان، تبلیغ حزب گریزی است. آنچنان تبلیغاتی راه می اندازند که گویا همه احزاب منافع سکتی و فرقه ای خودشان را دنبال میکنند و کارگر منفرد

ادامه از صفحه ۱۰

و غیر متشکل بسیار آزاد و خوشبخت و معقول است.

و بالاخره ابزار اصلی دور کردن کارگران از متشکل شدن در حزب سیاسی طبقاتی شان همانطور که میدانیم سرکوب و تعقیب و دستگیری و زندان است. با این ابزارها و ایدئولوژیها و سرکوب و خرافه پراکنی کارگران را از درک درست نسبت به منافع و مصالح طبقاتی شان دور میکنند یا سعی میکنند دور کنند. به این دلیل است که کارگران بطور اتوماتیک به حزب سیاسی طبقاتی شان نمی پیوندند و باید برای این پیوستن کار کرد و آگاهگری زیادی کرد و موانع را کنار زد. این خودش دلیل دیگری است برای اینکه این مهم است که کارگران به حزب بپیوندند.

چرا حزب؟

و بالاخره سوال اینست که اصلا چرا حزب؟ چرا باید بهرحال در حزب متشکل شد. جواب این هم فکر میکنم برای همه امروز روشن باشد. حزب لازم است تا بر اساس مصالح طبقه کارگر سیاستها را فرموله کند روشن کند تعریف کند. برنامه ریزی کند. مبارزه کارگران را هماهنگ

کند و سازمان بدهد و امثال اینها. در هر کشوری دهها و صدها میلیون کارگر وجود دارند و بدون حزب هر تعداد معدود از کارگران در هرگوشه ای مبارزه و تلاشی میکنند اما این مبارزات هماهنگ نمیشوند در یک راستا و برای یک هدف واحد پیش نمیروند. بخشهای مختلف کارگران بدون حزب در مبارزه علیه کارفرمایان و سرمایه داران ضعیف تر خواهند بود. بعلاوه طبقه کارگر باید بتواند برای آینده یعنی آلترناتیو و جانشین سرمایه داری برنامه ریزی و پایه ریزی کند و خط و جهت روشنی داشته باشد. همه اینها یک رهبری و اتاق فکر و سازماندهنده و تنوریسین لازم دارد. این بطور خلاصه توضیح اینست که چرا کارگر باید حزبی را درست کند و در حزب سیاسی طبقاتی خودش متشکل شود. چرا باید در حزب کمونیست متشکل شد.

و نه در احزاب مذهبی و قومی و ناسیونالیستی و امثال اینها که همگی مدافع سرمایه داری و استثمار و کل اوضاع موجود هستند.

کمونیسم یک گفتمان اساسا کارگری است. ریشه در وجود طبقه کارگر دارد. تنها جریانی است که با استثمار و سرمایه داری و تمایزات طبقاتی مخالف

است و میخواهد طبقه کارگر را علیه این نظام بردگی مزدی بسیج و سازماندهی کند. از اینجا نتیجه میگیریم که حزب سیاسی طبقه کارگر یک حزب کمونیست است. حزبی که اساس برنامه و سیاستش بسیج طبقه کارگر و کل مردم محروم برای در هم پیچیدن سرمایه داری با یک انقلاب اجتماعی. در برنامه های دیگری در مورد انقلاب اجتماعی صحبت کرده ایم و صحبت خواهیم کرد. نکته اصلی که اینجا بر آن تاکید داریم اینست که حزب سیاسی طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست. و طبقه کارگر برای خلاص شدن از استثمار و ستم و محرومیت باید در حزب کمونیست متشکل شود تا بتواند انقلابی کارگری را برای زیر و رو کردن کل اوضاع سازمان بدهد و رهبری کند.

طبقه کارگر هیچ منافعی از وجود و ادامه کاری سرمایه داری ندارد و میخواهد و باید بخواهد که خود را از شر سرمایه داری و استثمار و در واقع بردگی مزدی خلاص کند. و این با متشکل شدن در یک حزب کمونیست و با یک انقلاب کارگری و کمونیستی ممکن است.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۷۴۲۵

روز آزادی ام از اوین با وجود پا دردش از صبح به آنجا آمده بود.

از صفحه #اسماعیل_بخشی از رهبران نیشکر #هفت_تپه

آمدید اینجا، شما با این درد
پا چرا آمدید اینجا؟

گفت قربونت بشم این چه
حرفیه شما همه سعیده‌های
من هستین

این را که گفت دیگر
نتوانستم چیزی بگویم خم
شدم و با گریه دست هایش
را بوسه باران کردم و از آن
روز با افتخار مادر صدایش
می‌کنم.

امروز پس از بیست و دو
سال از آن روز غمبار، مادرم
همچنان رنجور و خستگی
ناپذیر به دنبال برادرم سعید
می‌گردد و می‌پرسد: سعید
من کجاست؟

مادرم می‌گفت هر چه به
خانم نقابی اصرار کردیم
ایشان به منزل برگردن چون
ممکن است ساعتها اینجا
منتظر بمانیم ولی او می
گفت تا آزادی اسماعیل را
نبینم از اینجا نمی‌رم.

خودم وقتی از درب اوین
خارج شدم ابتدا خانواده ام
دورم را احاطه کردند. در
آغوش شان بودم که صدایی
از پشت سر به من گفت:
اسماعیل پسرم آزادی مبارک
، وقتی برگشتم اصلا باورم
نمی‌شد لحظاتی مبهوت
نگاهش کردم گفت پسرم
مگه نمی‌شناسی ام، گفتم
خانم نقابی مگر می‌شود
شما را شناسم اما باورم
نمی‌شود. شما به خاطر من



بی‌حجابی را به جمهوری اسلامی تحمیل میکنیم!



تا دهها میلیون زن بی‌حجاب
با رقص و پایکوبی به خیابانها
بریزند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیر ۱۴۰۰، ۱۳ جولای ۲۰۲۱

فرهنگ غالب زنان در مهاباد و
کردستان و سراسر کشور است
و تلاش برای دور انداختن این
طوق بردگی جزئی از مبارزه
روزمره و گسترش یابنده علیه
حجاب اجباری و علیه حکومت
ضد زن است! کافی است یک
روز فشار حکومت کنار برود

اعلام شده است.
شرکت در نمایش افتتاح پارچه
فروشی و حضور زنان مدل لباس
بدون حجاب اسلامی، بخشی از
پیشروی هر روزه جنبش نوین
زنان برای سرنگونی حکومت
اسلامی است. بی‌حجابی

که به عنوان مدل» حضور
داشتند، خبر داده است.
عدم رعایت «عرف و اخلاق»،
استفاده از «تبلیغات نامتعارف»
و همچنین، حضور زنان بدون
رعایت «موازین شرعی» از
اتهامات اصلی برگزارکنندگان
مراسم افتتاحیه این واحد صنفی

در پی انتشار ویدئویی از مراسم
افتتاحیه یک پارچه‌فروشی
در مهاباد که در آن زنان بدون
حجاب اسلامی حضور داشتند،
دادگستری آذربایجان غربی
از پلمب این واحد صنفی و
بازداشت صاحب آن و تعقیب
«سایر عوامل دخیل» و «کسانی

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۳

پس از پیروزی ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهوری جدید ایران، چندین کشور اروپایی به ویژه آلمان و فرانسه نگرانی خود را از وخیم تر شدن اوضاع حقوق بشر در ایران ابراز داشتند. تحریم‌های اتحادیه:

گفتنی است اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر بیش از ۸۰ شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی که در سرکوب تظاهرات مردمی، پرونده‌سازی‌های صوری، اعتراف‌گیری اجباری و شکنجه بازداشت شدگان نقش داشتند را در لیست تحریم‌های خود قرار داده است.

برگرفته از وبسایت العربیه فارسی

بازداشت این شهروندان را تلاشی از سوی تهران برای فشار بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا دانسته است.

بیانیه ۶۳ نماینده پارلمان اروپا: پیش از این ۶۳ نماینده پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه خواستند که با اتخاذ سیاست‌های جدی‌تر نسبت به نقض فزاینده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران واکنش مناسب نشان دهند.

آنها همچنین به دلیل اقدامات و برنامه‌های تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا خواستار اعمال تحریم علیه تهران طبق قانون مجازات ناقضان حقوق بشر اتحادیه اروپا شدند.

پارلمان اتحادیه اروپا، روز پنج‌شنبه ۱۷ تیر، قطعنامه ای درباره نقض حقوق بشر در ایران را به تصویب رساند. در این قطعنامه‌ها، دهها نماینده اروپا خواستار بازخواست و مجازات مقامات ایرانی به دلیل نقض سیستماتیک حقوق بشر شده‌اند. در این قطعنامه همچنین بر افزایش فشار و اعمال تحریم‌های اضافی علیه مقامات ایرانی تأکید شده است.

این نمایندگان از مقامات ایرانی خواسته‌اند تا هشت شهروند دو تابعیتی اروپایی از جمله احمدرضا جلالی، پژوهشگر ایرانی - سوئدی را هر چه سریعتر آزاد کنند. پارلمان اروپا



پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌ای، خواستار اعمال تحریم علیه مقام‌ها و نهادهای در جمهوری اسلامی شد!

تماس با ما در تلگرام و سبگنال 0046739681438

@javanan.komonist @javanankomonist @cyo.sjk @javanan.komonist

جمهوری اسلامی باید برای اقدام به ربودن مسیح علی‌نژاد، و هر فعال سیاسی دیگر در جامعه بین الملل محاکمه شود!



با آن، دست به بایکوت همه جانبه حکومت جنایتکاران و باندهای دزد مافیای اسلامی بزنند و همچنین تمامی سران آدمکش و آدمربای جمهوری اسلامی باید در دادگاه های عادلانه بین المللی محاکمه شوند، چراکه در غیر اینصورت، بی تفاوتی جامعه بین الملل، نسبت به نقض علنی حقوق بشر در ایران و خارج از ایران توسط جمهوری اسلامی، قویا مورد اعتراض مردم ایران قرار خواهد گرفت.

قصد ایجاد رعب و وحشت در اپوزیسیون خارج کشور و به عقب راندن مبارزات مردم ایران را دارد. هر چند مردم مبارز و آزادیخواه همواره نشان داده اند که چنین اقدامات جنایتکارانه ای هرگز نتوانسته سدی برای پیشروی جنبش سرنگونی جاری در ایران و خارج از ایران باشد.

انقلاب زنانه تلاش برای ربودن مسیح علینژاد و هر فعال مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور را قویا محکوم می کند و معتقد است این اقدامات جمهوری اسلامی را نباید بی پاسخ گذاشت و دولتها و جامعه بین الملل باید در راستای مقابله

وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی تلاش کرده است یک روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر را از نیویورک بریاید. نام این روزنامه نگار در بیانیه وزارت دادگستری آمریکا اعلام نشده است، اما #مسیح_علی_نژاد در پیامی ویدئویی اعلام کرده است که پلیس او را از اقدام ناموفق جمهوری اسلامی برای ربودن خود مطلع ساخته و او هدف این آدم ربایی بوده است.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی با تهدید، آدم ربایی و قتل نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور،



ازدواج اجباری کودکان به دستور طالبان، حمله وحشیانه به حقوق کودکان است

Telegram, Signal, WhatsApp 0046739681438

ستیز تمام عیار می‌باشد و #کودک_همسری را رواج می دهد، بلکه سالهاست گروه‌های اسلامی و تروریستی منطقه را حمایت می‌کند.

ننگ بر طالبان و جمهوری اسلامی و نبود باد هر جریانی که از جنبش اسلام سیاسی به قدرت میرسد. این جریانات باید به دست نیروهای متشکل و سازمان یافته مردمی به زیر کشیده شوند.

از صفحه تلگرامی "انقلاب زنانه"

دستور طالبان برای شناسایی دختران بالای ۱۵ سال جهت ازدواج اجباری خبر ساز شد.

طالبان به بزرگان اقوام ساکن مناطق تحت تصرف خود دستور داد تا اسامی دختران بالای ۱۵ سال را جهت عقد نکاح با سربازان خود اعلام کنند. این دستور ضد کودک، ضدزن، ضد انسانی طالبان در شرایطی صادر شده که جمهوری اسلامی از این گروه تروریستی با عنوان جنبش‌های اصیل منطقه و گروه اصلاح‌شده یاد کرد...

هیچ تعجیبی ندارد که جمهوری اسلامی از گروه تروریستی طالبان اینگونه یاد می‌کند، چراکه نه تنها جمهوری اسلامی یک حکومت #زن_ستیز و کودک

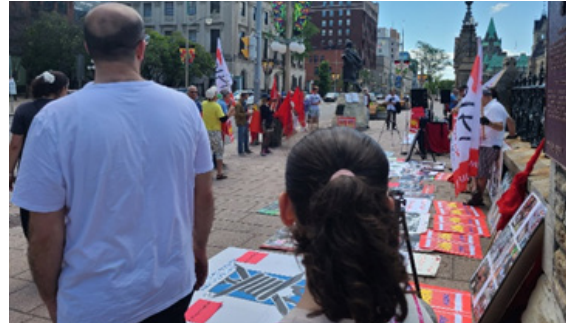
اطلاعیه های حزب

گزارشات تصویری از تجمعات هفته اعتراضی از ۳ تا ۱۰ ژوئیه "فعالین حزب کمونیست کارگری ایران" با عنوان رئیسی جلا و حکومت آدمکش جمهوری اسلامی را به رسمیت نشناسید. همچنین در همبستگی با اعتصاب کارگران نفت.

مالمو - سوئد



اوتاوا - کانادا



یوتبری - سوئد



استکهلم - سوئد



هانوفر - آلمان



فرانکفورت - آلمان



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴



اخبار نفت، ویژه اعتصابات سراسری: شماره ۲۶

دامنه اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت به ۱۱۴ مرکز نفتی رسیده است. بنا بر خبر منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز گذشته ۲۳ تیر رانندگان مینی بوس های خط لوله هفشجان به اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت پیوستند. بخش های حمل و نقل و ترابری یک بخش کلیدی در اعتصابات نفت است. قبلا هم نفتکش های اصفهان در حمایت از همکاران خود وارد اعتصاب شدند. از سوی دیگر کارگران اعتصابی پروژه ای نفت طی ابتکار جدیدی در چندین جا از جمله در مسجد سلیمان، دهدز، آلیکوه، اولاد حاج علی در تنگ گندمکار، ایذه، پروژه نفتی مهران در جهانپارس و هفشجان تجمع کردند و در مجمع عمومی شان همبستگی خود را با اعتصاب و ادامه آن تا رسیدن به خواسته های خود اعلام داشتند. در کنار شورای سازماندهی اعتراضات تشکیل مجامع عمومی کارگری در مراکز مختلف نفتی یک پیشروی بزرگ در امر سازمانیابی مبارزات کارگران نفت است. این مجامع را باید به طور سراسری و در همه جا تشکیل داد و آنها را به محل تصمیم گیری جمعی و شورایی کارگران بر سر خواسته های خود و چگونگی پیشبرد روند مبارزه تبدیل کرد.

شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت طی بیانیه شماره هفت خود بر ۴ خواست فوری کارگران پروژه ای پیمانی اعتصابی در نفت به عنوان پاسخی به پیمانکاران تاکید کرده است که افزایش دوبرابری دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی در

کارگران ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای نقاشان البرز، کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد و

بیانیه های مستقل و یا جمعی و تشکلهای گروه هایی از معلمان، بازنشستگان، فعالین دفاع از حقوق کودک و دانشجویان از جمله شورای بازنشستگان ایران، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، کانون صنفی معلمان تهران، کانون های صنفی معلمان الیگودرز، گیلان، سفز و زیویه، مریوان، ندای زنان ایران، و دانشجویان پیشناز اصفهان، انجمن صنفی

همبستگی مادران و خانواده های دادخواه از جمله گوهر عشقی مادر ستار بهشتی که بدست جانین اسلامی به قتل رسید و مادران آبنامه از جمله مادر نوید بهبودی، مهرزاد رضایی و مادر رضا معظلی گودرزی

همچنین طومارهای اعتراض از سوی فعالین کارگران در سنجند و نیز در آذربایجان غربی

بیانیه ها و پیامهای حمایت فعالین کارگری ای چون اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، جوانمیر مرادی و فوزیه خالصی

جمع ها و گروه هایی از مردم از میان کولبران، کارگران بیکار، فعالین دفاع از حقوق کودک، فعالین دفاع از حقوق زن و دانشجویان.

۵ کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در فرانسه: کنفدراسیون فرانسوی دمکراتیک کار (CFDT)، کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، فدراسیون سندیکایی متحد (FSU)، اتحاد سندیکایی همبستگی (Solidaires)، اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان یا مستقل (UNSA)، اتحادیه کارگران پاکستان

همبستگی و مبارزه مشتمل از دهها اتحادیه و تشکل و زیر مجموعه از کشورهای مختلف از آمریکا، اروپا، آفریقا و عراق. ترکیه و..

نامه دبیر اتحادیه یونیفور کانادا به حسن روحانی، شبکه سراسری نمایندگان محل کار انگلستان (NSSN) فدراسیون بین المللی پتروشیمی اینداستریال، شبکه بین المللی سندیکایی

فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمع سراسری، و چند خبر اعتراضی دیگر

بازنشستگان و مستمري بگيران تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان و اعتراض به وعده های پوچ قبل از مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، در ادامه یکشنبه های اعتراض خود برای ساعت ده و نیم صبح روز یکشنبه ۲۷ تیر فراخوان به تجمع داده اند. این تجمعات در تهران مقابل تامین اجتماعی و در شهرستانها مقابل مراکز آن برگزار خواهد شد. اجرای کامل هسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای دوازده میلیون، درمان و تحصیل رایگان، پایان دادن به اختلاسها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان و تمامی فعالین سیاسی و آزادی بدون قید و شرط فعالین اجتماعی در بند از جمله اسماعیل گرامی و مطالبات اعلام شده بازنشستگان در تجمعات اعتراضی و در بیانیه ها و قطعنامه هایشان بوده است. اسماعیل گرامی بخاطر شرکت در تجمعات اعتراضی بازنشستگان از ۱۴ فروردین تا کنون در زندان است و به ۵ سال حکم و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. در همین راستا کارزاری برای آزادی فوری او در جریان است. یک تاکید مهم بازنشستگان حق تشکل، حق تجمع و حق داشتن اعتراض

است. از خواسته ها و مطالبات بازنشستگان باید وسیعا حمایت کرد.

روز پنجشنبه ۲۴ تیرماه شماری از نانوایان و کارگران خبازی در مقابل ساختمان استانداری خراسان شمالی واقع در بجنورد تجمع کردند. تجمع این کارگران در اعتراض به پایین بودن میزان دستمزد، عدم رسیدگی به وضعیت قیمت نان و سایر مطالبات دیگر آنها صورت گرفته است.

روز ۲۴ تیر کارگران شهرداری اهواز در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق و بیمه برای چندمین روز متوالی دست به اعتراض زدند. در این روز جمعیت زیادی از کارگران شهرداری در وسط شهر دست به راهپیمایی زدند. تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای برده وار کاری دو موضوع دائمی اعتراضات کارگران شهرداری در سطح سراسری است. اعتراضات در میان این کارگران گسترده است و خواسته های واحد آنها بستر مهمی برای رفتن بسوی ایجاد شورای اعتراضات این کارگران و اعتصابات سراسری است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ تیر ۱۴۰۰، ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵



بوقچی و... به هرآنکس دخیل است یا خود را دخیل می داند، و به هرآنکس که دخیل است اما خود را دخیل نمی داند): حقوق تیرماه کارکنان نفت، آخرین فرصت جبران ۸ سال جفا نسبت بدان هاست، اگر حق خود را گرفتیم که فبها، اما اگر به هر دلیلی، هر جایی، هرکسی یا هر ناکسی باعث شود کارکنان نفت از حقوق و مزایای خود محروم شوند(حتی بمقدار اندک) منتظر حضورمان در میدان باشید."

اولتیماتوم کارکنان رسمی نفت در کنار اعتصاب دهها هزار کارگر پروژه ای پیمانی نفت یک حرکت قدرتمند از جانب طبقه کارگر برای مقابله با اجحافات و دزدیها و تحمیلات غیر قابل تحمل مافیای سرمایه داری بر زندگی کارگران و کل مردم است. این اعتراضات با چنین ابعادی میتواند زمینه ساز اعتصابی سراسری در سطح کل جامعه باشد. از اعتراضات کارگران نفت باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ تیر ۱۴۰۰، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۱

مذاکره شدند در جمع خود نمایندگانی تعیین کرد و وارد مذاکره شد. همچنین در هر کجای دیگر نیز که پیمانکاران تماس میگیرند و فشار می آورند که کارگران سر کار بازگردند باید این خواستها را به عنوان شرط بازگشت به کار مقابلشان قرار داد. ادامه اعتصاب ابزار قدرت ماست که هر جا که برای بازگشت به کار فشار می آورند از موضع قدرت این مطالبات را در مقابلشان قرار دهیم."

همچنین بنا بر خبرهای منتشر شده کارکنان رسمی نفت طی بیانیه شماره ۲۶ به آغاز دور دیگری از اعتراضاتشان اولتیماتوم داده اند. کارکنان رسمی نفت قبلا اعتراضاتی به نحوه افزایشات مزدی خود در سال ۱۴۰۰ داشتند که وعده هایی مبنی بر لغو محدودیت سقف دو و نیم میلیون بر سطح افزایش مزد آنان و حذف برخی آیتم های مزدی شان داده شد. کارکنان رسمی نفت تا آخر تیرماه را برای اجرایی شده این وعده و رسیدگی به خواستههایشان اعلام کرده اند و در اولتیماتوم خود در بیانیه شماره ۲۶ خود به عنوان آخرین کلام مینویسند: "کلام آخر به همه(منظور از همه: بالا تا پایین مملکت، وزارت، امنیتی، نظارتی، تماشچی،

دو برابری دستمزد های خود به کار بازگشتند، باید همه کارگران اعتصابی دستمزد دوبرابری را مطالبه کنند. بعلاوه در خیلی جاها همکاران ما بخشی از مزد ماههای قبل خود را طلب دارند و باید دستمزدهای معوقه آنان نیز فوراً پرداخت شود.

۲ - باید خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی از همان روز اول اجرایی شود.

۳ - باید وضع کمپ ها بهبود جدی یابد، غذاخوری های مناسب و در شان کارگران ایجاد شود و محیط های کار ایمن شوند. از همین رو پیمانکاران باید بطور مشخص اعلام کنند که چه اقداماتی در این رابطه انجام میدهند

۴ - باید توافقات بصورت کتبی و رسمی صورت گیرد. و دولت موظف به پیگیری اجرای ان توسط پیمانکاران گردد.

بر اساس این چهار بند میشود در هر کجا که امکان دارد مثل مجمعی که کارگران در هفشجان بر پا کردند، تشکیل داد و با تصمیم جمعی آنها را به عنوان پیش شرط های بازگشت به کار اعلام کرد و اگر پیمانکاران خواستار

توافقات و با تحمیل کتبی و رسمی کردن آن به پیمانکاران حاضر شده اند که به سر کار بازگردند. از نظر شورای سازماندهی همانطور که قبلا اعلام کرده است این درجه از عقب نشینی پیمانکاران نتیجه اعتصاب قدرتمند کارگران اعتصابی نفت است و ما اعلام میکنیم که همین توافقات حداقلی باید مبنایی باشد برای همه کارگران اعتصابی در سطح سراسری نفت و در هیچ کجا به کمتر از این توافقات نباید رضایت داد. بویژه بنا بر خبرهایی که بدستمان میرسد تماس با دیگر همکاران اعتصابی نیز از سوی پیمانکاران بیشتر شده است. اولین نکته اینست که نباید بگذاریم که بصورت پراکنده و بدون برنامه این توافقات صورت گیرد. از همین رو ما لیست ۴ خواست فوری که در صورت تحمیل آن به پیمانکاران اولین گام موفقیت در اعتصاب ما خواهد بود و از نظر ما رسمیت خواهد داشت را به ترتیب زیر اعلام میکنیم:

۱ - افزایش دو برابری دستمزدها در همه سطوح مزدی به گونه ای که حداقل دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون تومان نباشد. بنابراین همانطور که برخی از همکاران ما با پیشنهاد افزایش

اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی نفت ادامه دارد. هم اکنون اعتصاب در بیش از ۱۰۵ مرکز نفتی در جریان است. یک ابتکار جالب در این اعتراضات تجمع کارگران پروژه ای اعتصابی در جاهای مختلف و اعلام همبستگی با اعتصاب تا پیگیری مبارزات است. از جمله این تجمعات در این چند روز از سوی کارگران پروژه ای نفت در فولادشهر اولاد حاج علی در تنگ گندمکار، ایزه، آلیکوه، دهدز و هفشجان برگزار شده است. این تجمعات را باید در همه جا گسترش داد.

از سوی دیگر شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت طی بیانیه شماره هفت خود بر ۴ خواست فوری کارگران پروژه ای پیمانی اعتصابی در نفت به عنوان پاسخی به پیمانکاران تاکید کرده است. بخشی از این بیانیه را در زیر میخوانید: "در برخی شرکتها پیمانکاران برای اینکه کار پروژه های ناتمام خود را به جایی برسانند و جلوی وارد شدن خسارت بیشتر به شرکتهایشان را بگیرند، ناگزیر از پیشنهاد دستمزدهای دو برابری و قبول خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی شده اند. برخی از کارگران با این

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۶



از فعالان محیط زیست علیه جنایات رژیم قاطعانه دفاع می کنیم

رسانده و کارزار برای بایکوت جهانی این حکومت و پیگرد و محاکمه سران آن در دادگاه های بین المللی را گسترش می دهد. حزب تلاش میکند توجه فعالین و نهادهای مدافع محیط زیست در سطح جهان را در حمایت از محیط زیست و فعالین محیط زیست در ایران جلب نماید. حزب ضمن همدردی عمیق با خانواده های داغدار و دادخواه فعالین محیط زیست که عزیزان خود را ظالمانه بدست این حکومت جنایتکار از دست داده اند، آنان را به پیوستن هرچه وسیع تر به جنبش عظیم دادخواهی که از طرف بازماندگان همه جنایات این حکومت در برابر آن شکل گرفته است فرا می خواند. روزی که تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت و از جمله آمرین و عاملین کشتار فعالین محیط زیست در دادگاه هائی بین المللی و در برابر انظار مردم جهان به محاکمه کشیده شده و در برابر جنایات خود پاسخگو باشند دور نیست.

حزب کمونیست کارگری
ایران

۲۴ تیر ۱۴۰۰، ۱۵ جولای ۲۰۲۱

آن، اعتراضات به اشکال مختلف جریان دارد.

فعالین محیط زیست زندانی باید فوراً آزاد شوند، فعالیت در دفاع از محیط زیست و علیه طرح های مخرب حکومت علیه محیط زیست و اقدامات جنایتکارانه علیه فعالین این عرصه را باید سازمان داد و گسترش داد، از خانواده های قربانیان محیط زیست باید قاطعانه حمایت کرد و صدای اعتراض آنها را بلندتر نمود. جنبش دفاع از محیط زیست مانند سایر جنبش های مردمی و آزادیخواهانه بخشی از جنبش سرنگونی حکومت است و باید با تمام قوا به آن پیوست و آنرا تقویت کرد.

حزب کمونیست کارگری جنایات حکومت اسلامی علیه فعالین محیط زیست را محکوم میکند و همه مردم را به حمایت قاطع از این فعالین فرا می خواند. در سطح بین المللی، حزب کمونیست کارگری کشتار سیستماتیک و توطئه گرانه فعالین محیط زیست توسط جمهوری اسلامی را بعنوان مصادیق جنایت علیه بشریت در ردیف سایر جنایات این حکومت در طول حاکمیت خونبار آن به آگاهی افکار عمومی و مجامع بین المللی

از تخریب محیط زیست، از یکطرف فاجعه ای که حکومت بر سر محیط زیست میاورد و تأثیرات مخرب تاسیسات اتمی و فعالیت های سپاه بر محیط زیست را در معرض دید جامعه قرار میدهد و از طرف دیگر دست جنگل خواران و زمین خواران و سوء استفاده های اقتصادی کلان توسط مقامات و ارگان های حکومتی را رو میکند و به همین دلیل حکومت و در راس آن سپاه شدیداً نسبت به این مساله حساسند و با پشتوانه سیستم قضایی جنایتکارانه خود علیه فعالین محیط زیست پرونده سازی و جنایت میکند.

علیرغم همه این فشارها جنبش وسیعی در نقاط مختلف کشور در دفاع از محیط زیست و علیه سیاست های حکومت جریان دارد و نهادهای مختلفی توسط فعالین تشکیل شده است. وجه دیگر اعتراضات مردم مربوط به کشاورزان در اصفهان و خوزستان، اعتراضات وسیع علیه بی آبی، علیه هوای آلوده و ریزگردها است که هر روز گسترده تر میشود. علیرغم همه جنایات حکومت، مردم کوتاه نمیایند و در فضای بحرانی و آشفته حکومت و ناتوانی و استیصال همه جانبه

بارز توطئه سازمانیافته حکومت و مشخصاً سپاه پاسداران در این زمینه است. سقوط پر ابهام هواپیمای تهران- یاسوج در سال ۹۶ که منجر به کشته شدن حداقل ۱۶ فعال و متخصص محیط زیست شد، فعالینی که از اساتید دانشگاه بودند و از فعالین محیط زیست در زندان سپاه مستنداً دفاع کرده بودند، دستگیری و قتل کاووس سیدامامی در بهمن ۹۶ در زندان که اژه ای او را متهم به جاسوسی کرده بود و سپس قتل دو برادر به نامهای محمدصادق و محمدباقر یوسفی از فعالان محیط زیست در استان بوشهر بر اثر حادثه مشکوک رانندگی، کشته شدن شریف باجور و سه نفر دیگر از فعالین محیط زیست در جنگل های مریوان در بهمن ۹۷، قتل فرشید هکی در مهرماه ۹۷ و محکومیت هفت نفر از فعالین محیط زیست مربوط به موسسه حیات وحش میراث پارسیان به ۴ تا ۱۰ سال زندان در سال ۹۶ تحت عنوان جاسوسی، گوشه کوچکی از جنایت سیستماتیک حکومت علیه فعالین محیط زیست بشمار میرود. تعداد قابل توجهی از فعالین محیط زیست هم اکنون در زندان بسر میبرند. هر فعالیتی در جلوگیری

جنایات جمهوری اسلامی علیه فعالین محیط زیست تکان دهنده است. یک رشته قتل زنجیره ای، دستگیری های متعدد و محکومیت های طولانی، پرونده سازی علیه آنها و متهم کردن آنها به جاسوسی، به قتل رساندن آنها در زندان ها و انواع آزار و اذیت های دیگر بخشی از اقدامات جنایتکارانه و توطئه گرانه سپاه، سیستم قضایی و وزارت اطلاعات است. این قبل از هر چیز وحشت از برملا شدن جنایات محیط زیستی حکومت و ترس از شکل گیری جنبش وسیع دفاع از محیط زیست را آشکار میکند. جمهوری اسلامی نه تنها محیط زیست را بطور غیر قابل توصیفی تخریب می کند بلکه فعالینی که دست به اطلاع رسانی و افشاکاری علیه فجایع محیط زیستی حکومت میزنند را مورد جنایات سیستماتیک و توطئه گرانه خود قرار می دهد.

واژگون شدن اتوبوس حامل خبرنگارانی که برای تهیه گزارش از وضعیت دریاچه ارومیه از تهران به آن منطقه عزیمت کرده بودند، و به قتل رسیدن مهشاد کریمی و ریحانه یاسینی، دو خبرنگار حوزه محیط زیست در روز دوم تیر امسال آخرین نمونه

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵



در پی انتشار ویدئویی از مراسم افتتاحیه یک پارچه فروشی در مهاباد که در آن زنان بدون حجاب اسلامی حضور داشتند، دادگستری آذربایجان غربی از پلمب این واحد صنفی و بازداشت صاحب آن و تعقیب «سایر عوامل دخیل» و «کسانی که به عنوان مدل» حضور داشتند، خبر داده است. عدم رعایت «عرف و اخلاق»، استفاده از «تبلیغات نامتعارف» و همچنین، حضور زنان بدون رعایت «موازین شرعی» از اتهامات اصلی برگزار کنندگان مراسم افتتاحیه این واحد صنفی اعلام شده است.

شرکت در نمایش افتتاح پارچه فروشی و حضور زنان مدل لباس بدون حجاب اسلامی، بخشی از پیشروی هر روزه جنبش نوین زنان برای سرنگونی حکومت اسلامی است. بی حجابی فرهنگ غالب زنان در مهاباد و کردستان و سراسر کشور است و تلاش برای دور انداختن این طوق بردگی جزئی از مبارزه روزمره و گسترش یابنده علیه حجاب اجباری و علیه حکومت ضد زن است! کافی است یک روز فشار حکومت کنار برود تا دهها میلیون زن بی حجاب با رقص و پایکوبی به خیابانها بریزند. انقلاب در ایران انقلابی زنانه است.

ما ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی و ارکان های محلی آن در مهاباد، از پیشروی و حضور زنان در نمایش افتتاحیه بدون حجاب اسلامی قاطعانه حمایت میکنیم. به شهامت زنانی که در این مراسم با پوششی کاملاً غیر اسلامی ظاهر شدند، پوششی که آرزوی میلیون ها زن در ایران است، درود میفرستیم و مردم مهاباد، زنان و جوانان مهاباد و سراسر کردستان و ایران را به حمایت از آنها فرا میخوانیم.

پخش وسیع این ویدیو توجهات وسیعی را به خود جلب کرده و بی حجابی این زنان جسور با تشویق و حمایت وسیع مردم مواجه شده است. اما این حمایت را باید به حمایتی فعال و همه جانبه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان و برای تعرض به حکومت ننگین اسلامی تبدیل کنیم. باید موج وسیعی از دفاع از آزادی بی قید و شرط پوشش و علیه حجاب اجباری به راه اندازیم. زنان بیحجاب در این نمایشگاه پرچم مقابله با حجاب را بلندتر کردند. از همه مردم بویژه زنان و جوانان انتظار می رود جنبش وسیعی را در دفاع از آنها دامن بزنند و حکومت را وادار به آزادی فوری زنان بیحجاب این نمایشگاه و کلیه دستگیر شدگان کنند.

در حالیکه در تعداد زیادی از کشورهای جهان واکسیناسیون برای بخش زیادی از جمعیت انجام گرفته است و تعداد تلفات کرونا در هر روز یک رقمی شده و بعضاً به صفر رسیده است، در جمهوری اسلامی کرونا وسیعاً گسترار میکند. به اعتراف معاون کل وزارت بهداشت ۳۲۹ شهر در وضعیت قرمز و نارنجی هستند. فقط در تهران هر روز بیشتر از ۱۰۰ انسان طبق آمار خود حکومت جانشان را بدلیل ابتلا به کرونا و عدم رسیدگی به آنها از دست میدهند. استان سیستان و بلوچستان به یک کشتارگاه واقعی تبدیل شده است و مبتلایان و مرگ و میر کرونا در این استان از کل کشور پاکستان بیشتر است.

از یکطرف کرونا گسترار میکند و از طرف دیگر مقامات رژیم همچنان دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. فرمانده سپاه گفت به آمریکا واکسن صادر میکنیم و روحانی میگفت تا خرداد امسال واکسیناسیون ۱۵ میلیون به اتمام خواهد رسید. در صورتیکه حتی با آمار خودشان - که همیشه دروغ است - کمتر از ۳٪ مردم، و اکثراً آفازاده ها و مقامات و تنها قشر خیلی کوچکی از مردم، واکسن دریافت کرده اند و ایران در رتبه ۱۴۴ جهانی قرار دارد.

جلو کشتار کرونا را باید گرفت. موثرترین راه مقابله با کرونا واکسیناسیون فوری است و اینرا تنها با گسترش اعتراض میتوان به حکومت تحمیل کرد. جامعه باید یکپارچه علیه این لاقیدی حکومت نسبت به جان مردم بپاخیزد. باید همه جا با خواست واکسیناسیون فوری، رایگان و معتبر به میدان آمد، از تشکل های مختلف مردمی تا بخش های مختلف کارگران و معلمان و کارکنان ادارات، از سالمندان تا جوانان در هر شهر و محله ای باید تجمع کنند و دست به اعتراض بزنند و این خواست بحق خود را قبل از آنکه کرونا بیش از این از مردم قربانی بگیرد به مفتخوران جنایتکار حاکم تحمیل کنند. امروز به خاطر فضای اعتراضی و انفجاری جامعه علیه حکومت اسلامی، بهم ریختگی و سردرگمی حکومتیان و ناتوانی حکومت در مقابله با مردم، فضا برای اعتراض جمعی و طرح این خواستها بیش از پیش فراهم شده است؛ باید متحد و همبسته به هر شکل میتوانیم علیه این وضعیت اعتراض کنیم و واکسیناسیون فوری و همگانی و رایگان را به جانان حاکم تحمیل کنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ تیر ۱۴۰۰، ۱۳ جولای ۲۰۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ تیر ۱۴۰۰، ۱۳ جولای ۲۰۲۱